

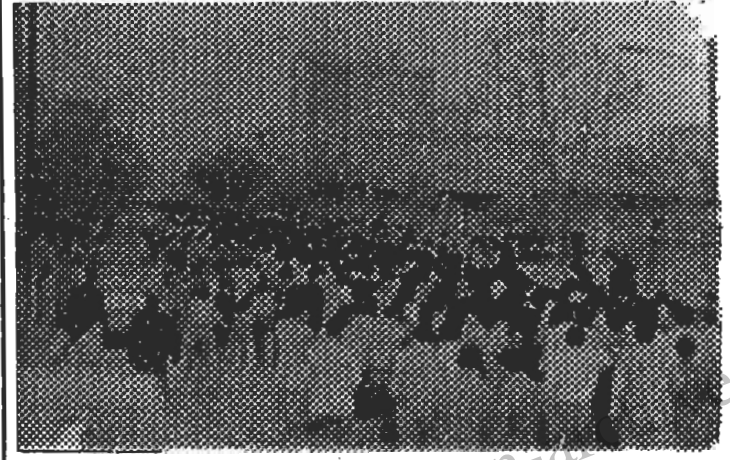
کارگران و زحمتکشان متحد شوید

دانشجویان و دانشآموزان مبارز:
مرتجعین می خواهند با سانسور مطبوعات
مردم را در بی خبری نگه دارند.
با تکثیر و پخش مقالات و اخبار "کار"
مردم را از حقایق که در میهنمان می گذرد
مطلع سازند.

تظاهرات ۶ هزار نفری مردم سندج به مناسبت چهلمین روز شهادت ۹ رزمنده خلق که بدستور حاکم شرع اعدام شدند

این تظاهرات در بعد از ظهر همان روز به پیش از ۶ هزار نفر رسید و تظاهرکنندگان با شعارهای " پاسداران اعزامی اخراج باید گردند"، " ارتش ضد خلقی نابود باید گردد"، " استبداد، خونخواری در لباس دین داری"، " اتحاد مبارزه، پیروزی"، " زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، " خلخال دیوانه اعدام باید گردد"، " مرگ بر جاش های مفتی زاده" خیابانهای شهر را پیاموندند.

تظاهرات و راهپیمائی هائی که در طول سه روز ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ مهر ماه به مناسبت چهلمین روز شهادت ۹ نفر از رزمندگان خلق، توسط مردم سندج صورت گرفت در صبح روز ۱۴ به اوج خود رسید و بیش از ۶ هزار نفر در حالی که پلاکاردهای " راه شهیدان خلق، راه سرخ هائی است" و عکسهای بزرگی از صحنه های اعدام را حمل می کردند به تظاهرات پرداختند.



سندج - صحنه ای از تظاهرات بزرگ سندج به مناسبت چهلمین روز اعدام ۹ رزمنده خلق.

کارگران فاسترویلر "تها شورائی می تواند حقمان را از کارفرما بگیرد که اعضایش نمایندگان واقعی ما باشند"

در صفحه ۱۰

رشوه خواری و توصیه پراکنی راه گشای دشواریها شده است!

فساد، رشوه خواری، توصیه پراکنی و پارتی بازی که یکی از مشخصات بارز رژیم گذشته بود، پس بقیه در صفحه ۸

دانشجویان دانشکده افسری "سرکشی شاکر را تحویل زندان دادیم سراز ریاست ارتش درآورد"

دانشجویان دانشکده افسری در بیانیه ای که اخیراً منتشر کرده اند برده از اقدامات ضد انقلابی در ارتش برداشته اند. در این بیانیه آمده است:

با پیروزی قیام تاریخی ملت ایران، لزوم تصفیه انقلابی در ارگانهایی که پایه های رژیم جنایتکار شاه بر آن استوار بود از بقیه در صفحه ۶

مردم مبارز انزلی به پشتیبانی از مبارزات برحق صیادان "جنایت کردستان در انزلی تکرار شد"

هفته گذشته شهر انزلی از خون سرخ صیادان مبارز و دیگر زحمتکشان رنگین شد. شهریکارچه به طغیان آمده بود و خم فروخورده ستم دیده ترین مردم شمال سکوت دربار می شکست. بقیه در صفحه ۵

اعتصابات کارگری روز بروز دامنه وسیع تری می یابد ● جنبش کارگری ایران رو به اعتلاست

بحران اقتصادی کنونی، که به صورت بیکاری، کمبایی کالاهای گرانی (تورم) تداوم یافته است، طبقه کارگر، زحمتکشان شهری و روستاییان فقیر و میانه حال را زیر فشار خود گرفته و فشارهای ناشی از این بحران مبارزه کارگران و زحمتکشان را مشخصاً گسترش داده است. همه شاهد حاکمی از رشد جنبش طبقه کارگر ایران است. بررسی وضعیت و حد گسترش مبارزات خودیو کارگران از قیام تا امروز نشان می دهد که مبارزات دوران قیام در نخستین ماههای پس از آن به صورت گوناگون ادامه یافت. در آن ماهها تحصن های متعدد بیکاران، راهپیمائی های آنان که غالباً با درگیری با کمیته ها همراه بود از وقایع روزمره به شمار می رفت. از حدود خرداد ماه به بعد به علت به کار افتادن مجدد برخی واحدهای تولیدی و کاهش نسبی بیکاری، به شمر رسیدن مبارزه کارگران برخی از موسسات تولیدی برای ترمیم ساعات کار (در چند مورد ۴ ساعت کار در هفته)، ترمیم میزان و مبنای دستمزدها (طی این مدت دستمزدها چندین بار افزایش یافته بود) بقیه در صفحه ۲

بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی جدید نیروها (قیمت سوم) در صفحه ۲

فدائیان خلق با خلق خویش عهد و پیمانی خوین بستند یوسف کشی زاده

مثن و صیقلیده فدائی شهید

خلقهای قهرمان ایران خلق و کسانیکه را که علیه ستم و همواره شاهد آن بوده اند که استعمار مبارزه می کردند را اعدام کرده و برای فریب خلق آنها بیار بقیه در صفحه ۸

چرا "کار" با تاخیر منتشر شد؟

کار شماره ۳۳ روز دوشنبه ۹ مهر منتشر شد و تا امروز که کار شماره ۳۴ منتشر می شود درست چهار هفته از آن می گذرد. تاخیر به این دلیل صورت گرفت که طی این مدت به دعوت مرکزیت سازمان خریکهای فدائی خلق ایران برای ارزیابی جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان، تعیین برنامه تشکیلات در برابر آن و مهمترین همه تعیین کلی ترین مبانی سمت گیری مبارزه ایدئولوژیک و همچنین بررسی وظایف سازمان در برابر اوضاع کنونی اولین پلنوم وسیع سازمان فراخوانده شد.

طبق برنامه پیش بینی شده از ۴ تا ۲۸ مهر ماه مسائلی که در دستور پلنوم بوده بحث گذاشته شد و پس از جمع بندی نظرات ارائه شده، مضمون مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان و برنامه پیشبرد آن و سایر وظایف سازمان به تصویب رسید و بدین ترتیب پلنوم با موفقیت به کار خود پایان داد.

بهمین دلیل ما موفق به انتشار نشریه کار که با همکاری تمام ارگانهای سازمان صورت می گیرد، نشدیم. چرا که اکثر مسئولین سازمان در این نشست هاشرکت داشتند. با این امید که در آینده به انتشار منظم آن توفیق یابیم.

تحریریه کار

ارتش شیوه های اسرائیلی را در سرکوب خلق کرده کار گرفته است

در این چند ماهی که از قیام می گذرد، تغییرات و جابجائی های ارتش بیش از همه ماهیت کنونی حاکمیت ارتجاعی را مشخص می کند. فرماندهان سابق ارتش شاه یکی پس از دیگری به کار دعوت می شوند و عوامل دست نشانده امپریالیسم نیض کارها را به دست می گیرند. چمران ومدنی که ماهیت ضد خلق آنها دیگر بر کسی پوشیده نمانده و هر یک سالها در آمریکا تعلیم بقیه در صفحه ۷

گوشه های از جنایات ارتش و پاسداران در کردستان

اعلامیه ای توسط لشکر ۲۴ از و سینه صادر کرد که بیانگر ماهیت ارتش و نیروهای است که بر خلق حاکم است. در این اعلامیه آمده است: ارتش به کلیه اهالی آبادی های منطقه آذربایجان غربی اکید اعلام می دارد چنانکه افراد ضد انقلابی و آشار و مزدوران حزب متجسس مکررات را پناه دهند، و با آنان به هر نحوی همکاری ننمایند و با مقاومت مقابل اعمال آنان بی تفاوت باشند و با خرابکاران و آشاز در حوالی آبادی آنان در جاده ها و گذرگاهها با جاده بندان نمود و به اعمال گروگان گیری دست بقیه در صفحه ۶

سازمان ارتجاعی "امل" به سرکردگی چمران برای نابودی جنبش فلسطین توطئه میچیند

در صفحه ۸

توضیح درباره حساب بانکی سازمان

هموطنان مبارز با توجه به تضییقاتی که حاکمیت ارتجاعی فراهم کرده است از پرداخت وجوه مالی خود به حساب بانکی سازمان خودداری ننمایید. ما چونکی دریافت کمک های مالی شمارا بعباده اطلاع خواهیم رساند.

بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی جدید نیروها (قسمت سوم)

نیروی متشکل دیگری که در دانشگاهها عمل می کند جریانهای وابسته به "کنفرانس وحدت" است. یکی دو سال پیش بسیاری در این تصور بودند که برخی از این سازمانها و گروهها می توانند در پیشبرد جنبش کمونیستی ایران به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر، گامهای موثری بردارند. اما از آنجا که نیروهای شرکت کننده در کنفرانس حول محور قبول تزار تجاری و ضد کمونیستی سوسیال امپریالیسم متشکل شده و بر این اساس با دیگر نیروها مزبندی کردند و از آنجا که همراه با ردمشی سلحسانه در اعماق آگرو میسم گرفتار آمدند، بار شد مبارزه با ایدئولوژی و ارتقاء دانش ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی ایران التقاط فکر را کم برکنفرانس وحدت لزوما برهم خواهد خورد. کنفرانس وحدت به همین شکل نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. بنا بر پیش بینی مادر سطح جنبش توده های این نیروها با این مواضعی که دارند هرگز به نیروی توده های بدل نخواهند شد و در سطح دانشگاهها نیز در سال آینده بنا بر شواهدی که موجود است و تحلیلی که از حرکت و مواضع آنها و حرکت سایر نیروهای مارکسیست داریم نیرو از دست خواهند داد و در حد یک جریان روشنفکری محدود و دارای تناقض و تضاد آشکار در ساخت ایدئولوژیک خود تا مدتی همچنان مطرح خواهند بود. از سوی دیگر از آنجا که مبارزه بین دو دیدگاه ایدئولوژیک "وجه ارتعاشی" و "وجه پرولتری" در کنفرانس وحدت پایان نیافته است هنوز در مقابل خرده پرور و آزادی خواهانیت ارتعاشی موضع اپوزیسیون دارند. و در مبارزه علیه آنها متفقا شرکت می کنند. به همین دلیل ما ضمن پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علیه این انحرافات که محور آن تیز "سوسیال امپریالیسم" و "گرایش" اگونیومیستی است، معتقدیم که فعلا در موارد خاصی در جنبش دموکراتیک این کنفرانس می تواند در "اتحاد نیرو" با سایر جریانهای دموکراتیک شرکت داشته باشد. علاوه بر این دو جریان که شمرده می شماری گروههای کوچک "چپ" نیز وجود دارند که در جنبه دموکراتیک ملی ایران متشکل شده اند. از آنجا که این تشکل فاقد هر نوع سازماندهی در سطح دانشگاههاست، خود به تنهایی در آنجا نیروی به حساب نخواهد آمد و چون اختناق سیاسی موجود مانع تحرک سیاسی آن است به نظر نمی رسد در آتیه (تازمانی که اوضاع چنین باشد) در سطح جنبش هم فعالیتش چشمگیر باشد. اما به هر حال احتمالا در برخی حرکات می تواند با سایر جریانهای سیاسی دموکراتیک و مترقی "اتحاد نیرو" کند. ما ضمن تأیید این همکاری معتقدیم که این جنبه موفقات همواره به پشتیبانی از سازمانهای مترقی و دموکراتیک نقش خود را در مبارزه دموکراتیک ایفا نماید. هر چند که جنبه دموکراتیک تاکنون عمدتاً تریبون برای اقشار متوسط جامعه که دارای تمایلات دموکراتیک

کارگران دلیر و مبارز!

بسیاری از آنان که زیر رگبار مسلسل ها، خمپاره ها بمبارانها و آتش سوزیها در کردستان، نزد گیشان و از دست می دهند، برادران دهقان شما هستند.

دهقانان و زحمتکشان کرد قربانی سیاستهای مالکین و سرمایه داران شده اند. وظیفه شماست بعنوان زحمتکش ترین طبقه جامعه در برابر این کشتار مردم به اعتراض برخیزید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

اعتصابات کارگری...

جنبش کارگری ایران روبه اعتلاست

بزرگ و کوچک افزایش یافت (افت محسوس در دامنه حرکات اعتراضی خود به خودی طبقه کارگر پدید آمد که تا حدود شهریور ماه ادامه یافت. شوراها کارگری در این دوران به در دست گرفتن کنترل و اداره بسیاری از کارخانه ها مبادرت کردند. از اوایل شهریور به بعد حرکات خود پوی کارگری مشخصاً دوباره روبه گسترش نهاده است. بخصوص در یک ماهه اخیر مبارزه کارگران با شمارهایی چون افزایش دستمزد، پرداخت سود ویژه، اعتراض به اخراج نسبت به ماههای قبل دامنه وسیع تری به خود گرفته است. در مهمترین مناطق کارگری، به ویژه در خوزستان و آذربایجان هر روز که می گذرد خیل بیشتری از کارگران به جنبش خود بخودی روی می آورند.

علاوه بر این مبارزه کارگران برای "پاکسازی"، "شورا و نقش آن" که یادگار مبارزات دوران قیام است، بافت و خیزشهایی همچنان ادامه داشته و در برخی موارد حتی گسترش یافته است. اشکال تشکل کارگران نیز سیر تکاملی به خود می گیرد. این تشکل ها اکنون در بسیاری موارد در قالب شوراها و در برخی موارد در قالب سندیکا صورت پذیرفته است. هسته های سرخ در محیط های کارگری به زمینه های مبارزاتی فعال تر و مساعدتری دست یافته اند. در کارخانه ها حمایت از کارگران پیشرو روبه گسترش است. قشریون مذهبی که تا چندین پیش در موسسات تولیدی تقریباً بی تاز بودند اکنون متدرجاً موقعیت خود را از دست می دهند.

سطح آگاهی طبقه کارگر به طور محسوس روبه ارتقاء است. نفوذ آگاهی در حرکات خود بخودی طبقه کارگر باعث شده که کارگران روز به روز بیشتر و بهتر دشمنان طبقاتی خود را بشناسند. گرچه اکثریت کارگران هنوز تصویری کنند روحانیت و دولت "به ملت مشکلاتی که دارند" فعلاً نمی توانند خواستهای آنان را برآورده کنند، اگرچه اکثریت آنان هنوز امیدوارند که کارهای صورت بگیرد. اما از قیام تا امروز مشخصاً بسیاری از این تصورات و امیدها و آرزوها در هم شکسته شده است.

اکنون دیگر بسیاری از کارگران خوب می دانند که نه دولت و نه روحانیت هیچ کدام نمی خواهند خواستهای اساسی طبقه کارگر را برآورده سازند. آنها دریافته اند که رژیم نه تنها فعلاً نمی خواهد قدمی اساسی به زیان سرمایه داران بردارد، بلکه بنا به ماهیت خود هرگز چنین قدمی برنخواهد داشت. این بخش از کارگران گرچه فعلاً اکثریت نیستند، اما از نظر کمی روز به روز در حال رشدند. آنها اکنون به روشنی دریافته اند که هر آنچه که طبقه کارگر به چنگ می آورد نه بر اساس ضدیت رژیم کنونی با نظام سرمایه داری، بلکه مستقیماً محصول اتحاد و مبارزه طبقه کارگر و سایر اقشار خلق است. مبارزات خلق کرد و جنبانیت سپاه پاسداران و ارتش در آنجا باعث شده است توده مردم به ماهیت سرکوبگر رژیم کنونی و جنبه گیری آن علیه منافع اقشار زحمتکش بی برند. وقایع انزلی و جرقه هایی که در سایر شهرها زده می شود نمونه های مشخصی است که نشان می دهد سپاه پاسداران نژاد من توده مردم، نه تنها فرشته نجات نیست بلکه نیروی است با همان بی رحمی، منتهی صدها ناشیان تراز سابق مردم راه گلوله می بندد و احکام امضا م انقلابیون را با جرمی گذارد.

علیرغم تلاش دولت و اصرار روحانیت و توسل وی به شرمیات برای "ملی و اسلامی" جلوه دادن ارتش توده مردم هرگز اعتمادی به ارتش پیدا نکرده اند. بهره گیری ر نندانه و مزورانه سران ارتش و

و در راس آنها چمران برای پیش انداختن سپاه پاسداران و بهره گیری از جنابیات آنان و محبوبیت تراشی برای همان نیروهای مسلح شاهنشاهی سابق یعنی ارتش ژاندارمری و شهربانی هم کار چندانی از پیش نبرده است. اکنون کمتر کسی است که بی به ماهیت ضد خلقی چمران ها، فلاخی ها، شاکرها، مدنی ها و امثالهم بی نبرده باشد. افشای سوابق این سرسپردگان نقش زیادی در توضیح ماهیت ضد مردمی ارتش داشته است.

وضع متزلزل مجلس خبرگان و تلقی مردم از آن که عمدتاً تمسخر آمیز است و همچنین شکست مفتضحانه انتخابات شوراها نیز نشانه هایی از کاهش اعتماد مردم به حاکمیت روحانیت و دستگاه اداری، ارتش و سپاه پاسداران است. همه این شواهد نشان می دهد که آگاهی طبقه کارگر ایران از یک سو تحت تاثیر رشد مبارزات خود انگیخته خویش و از سوی دیگر تحت تاثیر فعالیت عنصر آگاه نسبت به ماههای گذشته بطور محسوس رشد یافته است.

علیرغم دوران قیام که جنبش خود پوی کارگری ایران عمدتاً حول شعار دموکراتیک "مرگ بر شاه" شکل گرفته بود، اکنون مبارزه خود بخودی کارگران عمدتاً حول خواستهای مشخص و ملموس اقتصادی خاص طبقه کارگر که گاه جنبه سیاسی به خود می گیرد، صورت می پذیرد. و همه می دانیم که علیرغم مبارزات دموکراتیک طبقه کارگر در این مبارزات مشخصاً تنهاست. این حقیقت نه گویای تشکیل صف مستقل طبقه کارگر است و نه جاکمی از اینکه شکل گیری جنبش خود بخودی طبقه کارگر حول محور "خواستهای ملموس و مشخص طبقه کارگر نسبت به شعار "مرگ بر شاه" لزوماً زمینه مینویسد تری را برای تشکیل صف مستقل طبقه کارگر و تلفیق آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک در جنبش خود بخودی طبقه کارگر فراهم می آورد.

تنهایی طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی کنونی اثروا نیکنه مطابق شواهد موجود این مبارزات در مواردی جنبه سیاسی به خود می گیرد هرگز به معنای متمایز شدن و مستقل شدن صف طبقه کارگر از سایر اقشار نیست. تشکیل صف مستقل طبقه کارگر مشخصاً محصول فعالیت تبلیغی ترویجی عنصر آگاه و تلفیق آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیکی است که از بیرون به درون جنبش خود انگیخته طبقه کارگر برده می شود.

جنبش کارگری ایران روبه اعتلاست. و این اعتلا توجه به تداوم بحران اقتصادی و سیاسی کنونی در ماههای آتی همچنان ادامه خواهد یافت. سطح آگاهی طبقه کارگر از قیام تا امروز به طور محسوس ارتقاء یافته است. تشکل کارگران چه در زمینه صنفی و چه در اشکال سیاسی آن سیر تکاملی می یابد. در چنین شرایطی هر چه بیشتر به حتمیت اعتلای جنبش کارگری بی می بریم وقتی به رشد مجدد مبارزه در میان دهقانان و زحمتکشان شهری فکری کنیم، وقتی به اوج گیری شتابان مبارزه در میان خلقها توجه می کنیم، بیشتر و بهتر عقب ماندگی مغرط عامل ذهنی انقلاب و فقر جنبش کمونیستی ایران را چه از نظر میزان تجهیز به تئوری انقلابی و چه از نظر سازمان یافتگی درک می کنیم. در ایران امروز هم همچون روسیه ۱۸۹۷ برای تشکیل حزب طبقه کارگر هنوز یک دنیا کار و جوش وجود دارد.

اعتلاء خود بخودی توده ها در روسیه با چنان سرعتی به وقوع پیوست (و کماکان به وقوع می پیوندد) که جوانان سوسیال دموکرات برای انجام این وظایف عظیم غیر آماده ماندند. این عدم آمادگی برای همه سوسیال دموکراتهای روس مصیبتی است. اعتلاء توده ها متصل و بی دربی جریان و توسعه می یافت و نه فقط در آنجا که آغاز شد متوقف نمی گردید بلکه مناطق تازه و قشرهای تازه ای از اهالی راهم فرامی گرفت (تحت تاثیر نهضت کارگری جنب و جوش جوانان محصل و بطور کلی روشنفکران و حتی دهقانان نیز شدت یافت) ولی انقلابیون خودخواه در "تئوری های" خود خواه در فعالیت خود از این غلبان عقب می ماندند، و موفق نمی شدند سازمان بدون وقفه و ادامه کاری به وجود آورند که قادر باشد تمام نهضت را رهبری نماید.

(لنین - چه باید کرد)

موج اخراج کارگران در شاهپور - ماهشهر

اخراج نمایندگان و مانع رشد آگاهی سایر کارگران بشوند. ثانیاً - با استخدام کارگران جدید، مزد کمتری به آنان بدهند. ثالثاً - با مطرح کردن ورشکستگی پولی را که می خواستند در پایان کار از دولت بگیرند زود تر دریافت دارند.

اعتصاب کارگران از ۳۰ تیر ۵۸ شروع شده بود. تعداد کل کارگران و کارمندان حدوداً ۶۰۰ نفر است.

اعتصاب کارگران شرکت گسترش مسکن و خانه سازی که در شمال ماهشهر و در کنار رود جراحی قرار دارد بعد از ۴۵ روز با توطئه کارفرما شکست. رؤسای شرکت به این بهانه که ورشکست شده اند ۳۵۰ نفر از کارگران و کارمندان را اخراج نمودند. در میان این عده عناصر فعال و پیشرو دیده می شوند شرکت با پرداخت ۱۰ میلیون تومان حقوق و مزایای عقب افتاده به کارگران نشان داد که ورشکست نشده است. مسئولین امشهر می خواستند بایک تیرچند نشان بزنند.

اولاً - کارگران مبارز و فعال را

از خبرنامه شماره ۶ - شاخه خوزستان - سازمان چریکهای فدائی خلق - ایران

خبرهای کوتاه کارگری

اراک - در کارخانه "هپکو" اراک جلسه ای با حضور کارگران تشکیل و از شوراهای مترقی کارخانجات اراک دعوت شد یک شورای سراسری تشکیل شود. اعضای شوراهای کارخانجات از این طرح استقبال کرده اند.

رشت - کارگران شهرداری رشت روز سه شنبه ۱۷ مهر ماه بخاطر دریافت حقوق ماهیانه گذشته خود و خواسته های رفاهی دیگر که از مدت ها پیش مطرح کرده بودند، دست از کار کشیدند و در برابر ساختمان شهرداری اجتماع کردند.

شهری - گروهی از کارگران مبارز کارخانجات چیت سازی های تهران که سابق طولانی در مبارزات کارگری داشته اند اخراج با باز خرید شده اند. از جمله در کارخانه چیت ری ۱۶ کارگر اخراج شده اند.

قزوین - شوراهای کارگران واقعی کارگری در کارخانجات صنعتی شهر قزوین با اعمال زور کمیتسه و عوامل کارفرما منحل شده و انجمن های با اصطلاح اسلامی که مجری دستورات کارفرمایان هستند، وظیفه مبارزه با کارگران را به عهده گرفته اند.

تهران - گروهی از کارگران بیکار که برای استخدام در مقابل کارخانه تولید دارو اجتماع کرده بودند مورد هجوم مأموران مسلح کمیته قرار می گیرند که چند تن زخمی و عده ای دستگیری شوند. مأموران دوتن از کارگران بیکار را که مقاومت کرده بودند به محل کارخانه می برند و شکنجه می کنند.

قائم شهر - اوایل مهر ماه کارگران کارخانه نساجی شماره یک به خاطر بخشنامه تهدید آمیز و ضد کارگری شورای فرمایشی این کارخانه دست از کار می کشند و خواهان انحلال شورای ضد کارگری می شوند.

شماره سوم نشریه سراسری توافیر منتشر شد

شکنجه گاهها بوده افشان نموده است در این شماره همچنین مقالاتی در مورد "درد دل یک کارگر روز مزد" "نبروی بیزه چیست و چرا سازمان داده شده است" و چند مقاله دیگر نوشته شده است.

در سرمقاله این نشریه تحت عنوان "توطئه های ضد انقلاب را بشناسیم" زمینه چینی ارتجاع را برای کنار گذاشتن یکی از کارکنان مبارز توانیر که مدت ۶ سال هم در زمان رژیم گذشته در زندانها و

شماره پنجم نشریه "نفتگر" منتشر شد

این شخص توسط دادگاههای انقلاب اسلامی آزاد شده است. کلیه کردهائی انقلابی و ملی منطقه این عمل ضد انقلابی را محکوم نمودند و تظاهرات وسیعی توسط عشا پرور و شغفران بدین مناسبت شرکت نموده و خواسته های خود را در سه ماده ارائه دادند.

شماره پنجم "نفتگر" نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت گچساران در تاریخ دوشنبه ۲۹ مرداد منتشر شد. در این شماره مقالاتی درباره "مجلس کذائی خبرگان، مجلس تدوین قوانین برای کشتار کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان است" "شورای قلابی کارکنان صنعت نفت گچساران از توطئه چینی علیه کارگران دست بردار نیست." "سخنان یک کارگر پیمانائی" گزارشی از تظاهرات عشا پرور که کیلو به و بویا حمد علیه منصور خان باشتی و چند مقاله و خبر دیگر به چاپ رسیده است. لازم به تذکر است که منصور خان باشتی از سرپرندگان رژیم گذشته بوده که جنایات متعددی در رابطه با عشا پران منطقه کرده و منجمله چندین فقره قتل داشته است.

۱- بدون اتلاف وقت ملک منصور باشتی را دستگیر و اعدام کند. ۲- اموال زمینهای این جنایتکار پلید و سرسپرد رژیم سابق که جز حاصل دسترنج کشاورزان ستمدیده نیست، به نفع آنها تقسیم شود. ۳- دست کلیه عوامل و نوکران سرسپرد رژیم سابق و امپریالیسم اژان و مال عشا پر کوتاه گردد.

هفتمین گرد همایی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا "می خواهند تضاد طبقاتی را به صورت اختلاف بین فارس و ترکمن در آورند"

روستائیان می گویند: تا مسئله ارضی به نفع روستائیان محروم و زحمتکش حل نشود، مبارزه ادامه دارد...



بدعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هفتمین گرد همایی نمایندگان شوراهای روستایی ترکمن صحرا از روستاهای مختلف در ساعت ده صبح جمعه ششم مهرماه در گنبد برگزار شد. در این گرد همایی نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در باره شوراهای و حفظ و تحکیم آن، برنامه ارضی و خود مختاری برای خلقها سخنانی ایراد کردند. یکی از نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای

"ما توانستیم با تشکیل شوراهای واقعی همبستگی و یکپارچگی خود را نشان دهیم و گوشه های ناشنوا را مجبور به شنیدن صدای حق طلبانه خود نمائیم. غاصبین و مترجمین سعی می کردند با راه انداختن تبلیغات بر ضد خلق ترکمن آتش زدن سازمانهای زراعی و بیرون کردن زابلی ها علیه ما توطئه چینی کنند ولی توطئه آنان با هوشیاری و جدیت شوراهای اثر شد و سلاح آنها از کار افتاد. آنها می خواهند تضاد طبقاتی را که بین غاصبین و روستائیان محروم و زحمتکش وجود دارد به صورت اختلاف بین خلقهای فارس و ترکمن در آورند. ولی اسلحه ما در مقابل دشمنانمان اتحاد و یکپارچگی است. ما به این مسئله ایمان داریم. در مورد مسئله ارضی ما متقدم زمینهای متعلق به خاندان منور پهلوی و غاصبین کاملاً به روستائیان تعلق دارد و باید تحت نظارت شوراهای روستایی به صاحبان اصلی برگردانده شود. در مورد زمینهای مورد اختلاف که آغاصبی است یا غاصبی نیست، هیئتی از ریش سفیدان همان روستا به مسئله رسیدگی و نتیجه به هیئت اعزامی گزارش داده شود. در بعضی از دهات که ۹۰٪ زمینها متعلق به یک و یا چند نفر زمین دار بزرگ است و اینها به شکلهای مختلف صاحبان شده اند نیز توسط زحمتکشان ده که طرح آن بانظر نمایندگان شوراهای خواهد بود، بهره برداری شود." نماینده دیگری از ستاد مرکزی شوراهای اشاره به قیام پرشکوه مردم و خونهای گریخته شده و اینکه دستاوردهای قیام در

وضع و احوال کنونی یکی پس از دیگری پایمال می شود گفت. "ابتدا مدتی در روزنامه را تعطیل کردند و حمله به سازمانهای مترقی را شروع نمودند و سپس در کردستان کشت و کشتار راه انداختند و خواسته های به حق خلق کرد را نادیده گرفتند و حالا هم سعی دارند که صدای حق طلبانه خلق کرده گوش خلقهای ایران نرسد ولی می بینیم که به هدف خود نائل نشدند. ما در اینجا اعلام می کنیم که تا مسئله ارضی به نفع روستائیان محروم و زحمتکش حل نشود خلق ترکمن یک لحظه از مبارزه خود دست نخواهد کشید. خواست ما بر حق است و ما ضمن پیروزی ما همبستگی و یکپارچگی است. هر دولتی که نخواهد منافع زحمتکشان و خلقهای ایران را در نظر بگیرد، دوام نخواهد داشت. همانطور که رژیم سابق زور داشت، اسلحه و ژاندارم داشت ولی در مقابل قیام پرشکوه خلقهای ایران نتوانست ایستادگی کند." سپس آقای ارزانش سخنرانی کرد و در بخشهایی از سخنانش با تاکید روی قدرت خلق و خواسته های برحق آنها گفت: "حق مال همه است. حق یعنی برابری. اگر چیزی به من برسد، به دیگر نرسد سعادتی در بین نخواهد بود. اگر همبستگی نباشد همه چیز مان از بین خواهد رفت."

رفت. برای حق و حقیقت به پای خیزیم. راهی که ما می رویم علیه ظالمان است. دشمنان می دانند که منشاء قدرت ما در گجاست و از همین روسعی در تفرقه و جدایی بین خلقها را دارند ولی قدرت خلق چیزی که ما را شکست خواهد داد ترس از دشمنان، ترس از احقاق حق و ترس از اجتماع کردن است. ما برای یکپارچگی و همبستگی خود مبارزه می کنیم. این گرد همایی تا ساعت ۱۲ ادامه یافت و در پایان تراکتیهای از طرف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در رابطه با محصول پنبه با این مضمون پخش شد: "کارگران و زحمتکشان سازمانهای کشاورزی، در صورتیکه تمام محصول پنبه های کاشته شده به دست شما متعلق به شماست اجازه ندهید غاصبین و زمینداران بزرگ حقوق شما را پایمال کنند. حداقل سهم شما از محصول باید بازمین داران بزرگ مساوی باشد." سهم زحمتکشان روستایی از محصول پنبه زمین داران بزرگ باید به نصف، نصف تقسیم کرد.

شماره اول خبرنامه کارگری از حوزه کارگری غرب تهران پیشرو منتشر شد

در این خبرنامه اخباری از کارخانجات تکنوکار - مسزدا شرکت فسان - ایران باساکاتر پیلار - تولید دارو - اسکویب کارخانه دارویی عبیدی - دویار دارو پخش - ارج نوشته شده است به یک خبر مهم از این خبرنامه توجه کنید.

شماره ۲ راه سرخ - نشریه خبری شاخه تبریز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تاریخ ۱۱ مهر ۵۸ منتشر شد.

خلق بلوچ از مبارزات قهرمانانه خلق کرد پشتیبانی می کنند

اعمال نفوذ مترجمین در آن - انتخابات مذکور را با شعارهای "شورای شهر تحریم است - ارتجاع نابود است" شورای شهر را غیرقانونی اعلام کردند. تظاهرکنندگان با دادن شعار "کردستان - کردستانی - راهت ادامه دارد - حتی اگر شب و روز، بر ما گلوله بارد" پشتیبانی خود را از حق تعیین سرنوشت برای خلق ها اعلام داشتند و با شعارهایی همچون "پاسدار غیربومی اخراج باید گردد - استاندار غیربومی اخراج باید گردد - خانه خلق بلوچ آزاد باید گردد" این خواست بحق را مورد تاکید دوباره قرار دادند.

در شرایطی که ارتجاع حاکم از بیم روبرو شدن با خشم انقلابی زحمتکشان، ناشی از همبستگی آنها با خلق کرد می کوشد تا از نشر اخبار کردستان جلوگیری کند، خلقهای ایران در صدد ایجاد همبستگی بیشتر هستند و بی دربی پشتیبانی خود را از خلق کرد اعلام می دارند. روز نوزدهم مهر بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم مبارز اهدان طی یک راهپیمائی و تظاهرات باشکوه همبستگی خود را با خلق کرد بهار - دیگر مورد تاکید قرار دادند. در این راهپیمائی مردم مبارز بلوچ همچنین با اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات شورای شهر و

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

قتل از خبرنگار خوزستان:

اعتراض کارگران پیمانی شرکت ملی نفت اهواز

اهواز- کارکنان پیمانی شرکت ملی نفت ایران قسمت بخش توزیع گازوئیل و روغن واقع در جنب سیلوی مرکزی اهواز بخاطر تعطیلی پنجشنبه ها و اضافه حقوق از تاریخ روز یکشنبه ۱۱ مهر ۵۸ به عنوان اعتراض و اعتصاب دستاز کارکشیدند.

اجتماع و راهپیمایی کارگران شرکت ساختمانی مانا

کارگران شرکت ساختمانی مانا

کارگران شرکت ساختمانی مانا که از بدو تاسیس صنایع فولاد اهواز کار عملیات ساختمانی این مجتمع را به عهده داشته اند، در روز سه شنبه ۳ مهر ۵۸ به حالت اعتراض و اعتصاب دست از کار کشیده و همپهلو "سی - اف" (محلی) که کارگران بیشتر آنجا جمع می شوند و حقوقشان را دریافت می کنند) اجتماع نمودند. این حرکت در رابطه با خواست تعطیلی مجدد پنجشنبه ها و همپهلو مربوط به اضافه حقوقی (۷۵٪ تومانسی) است که در ماههای قبل به آنها پرداخت گردیده بود. ولی در ماه قبل (شهریور) به حسابشان اضافه

کارگران متحصن تکنوکار خطاب به پاسداران مهاجم:

"همان دستهایی که به شما اسلحه داد، اسلحه را از شما پس خواهد گرفت"

برادران کارگر، مبارزه خود را ادامه دهید.

روز شنبه سه نفر از سهامداران کارخانه را برای روشن شدن تکلیف خود به کارافتادگان مجدداً تولید به کارخانه آوردیم و دست به تحمین زدیم. نمایندگان وزارت کار، با بهترین بگوئیم وزارتخانه سرمایه داران، به محض باخبر شدن از این اقدام انقلابی ما فوراً با تجهیزات کامل از قبیل ژ - ۳ کلت و سرساز، پاسداران مسلحان (نیروی ویژه پاساواک جدید کارخانه ها) برای مذاکره با ما به کارخانه آمدند. اما ما که بارها ماهیت واقعی وزارت کار را تجربه کرده بودیم، نه فریب خوردیم و چرب زبانی های آنها را خورده و نه از مسلسل و تفنگ و "غلام سیاه" مسلحان ترسیدیم.

برادران کارگر، مبارزه خود را ادامه دهید.

روز شنبه سه نفر از سهامداران کارخانه را برای روشن شدن تکلیف خود به کارافتادگان مجدداً تولید به کارخانه آوردیم و دست به تحمین زدیم. نمایندگان وزارت کار، با بهترین بگوئیم وزارتخانه سرمایه داران، به محض باخبر شدن از این اقدام انقلابی ما فوراً با تجهیزات کامل از قبیل ژ - ۳ کلت و سرساز، پاسداران مسلحان (نیروی ویژه پاساواک جدید کارخانه ها) برای مذاکره با ما به کارخانه آمدند. اما ما که بارها ماهیت واقعی وزارت کار را تجربه کرده بودیم، نه فریب خوردیم و چرب زبانی های آنها را خورده و نه از مسلسل و تفنگ و "غلام سیاه" مسلحان ترسیدیم.

حرف ما یکی بوده و هست: "کارخانه باید باز باشد و کارگران نباید اخراج شوند."

حسابدار کارخانه در حضور همه کارگران بعضی از اسرار مالی شرکت را افشا کرد و در حالی که کارفرما می گوید:

"هیچ پولی نداریم تا حقوق شما را بدهیم و کارخانه را راه بیاوریم" حسابدار کارخانه گفت: "ما یک میلیون و هشتصد هزار تومان موجودی داریم و قرارداد پروژه تبریز به مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان بسته شده است."

روز یکشنبه ۸ مهر ۵۸ ساعت ۱۲ شب سه نفر از پاسداران مستقر در میدان جمهوری به گفته خودشان از طرف آقای چمران وزیر دفاع ملی و دفتر نخست وزیر برای بردن سهامداران شرکت به کارخانه آمدند. ما موریت پاسداران این بود که سهامداران شرکت را از کارخانه بیرون ببرند. ولی آنها با اتحاد و همبستگی آهنین ما رو به رو شدند. پاسداران که با حرف و خواهش و تمنا و تهدید نتوانستند سهامداران را ببرند کارخانه را

کارگران متحصن تکنوکار که برای جلوگیری از تعطیل کارخانه مبارزه با سرمایه داران وابسته از مدتی پیش در محل کارخانه متحصن شده اند، همچنان به مبارزه برحق خود ادامه می دهند. کارگران در اطلاعیه شماره ۳ خود که قسمتی از آن را می خوانید چنین نوشته اند: برای جلوگیری از توقف کارفرمای مزدور تکنوکار برای بستن کارخانه و اضافه کردن ماهه صف چند میلیون بیگاران بعد از اینکه تحمین اول مادر دفتر مرکزی بی نتیجه ماند و همه دستگامهای دولتی از اقدام کارفرما برای اخراج ما پشتیبانی کردند. روز شنبه ۷ مهر به وزارت کار رفتیم تا قرارداد را که در حضور کارگران، نمایندگان کارفرما و سپاه پاسداران عباس آباد امضاء شده بود اجرا کنند ولی وزارت کار به نمایندگان ما گفت: "کارفرما مطابق قانون حق دارد کارخانه را تعطیل کند و مواد خام را چون متعلق به خودش است می تواند از انبار تخلیه نماید. و به شما هیچ ربطی ندارد." وزارت کار دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در کمک به کارفرما برای اخراج کارگران و بستن کارخانه هم نشان قانونی را نه رخ ماکشید که به دست کارشناسان آمریکایی و "آزمون های مدموم نوشته شده بود. وزارت کار فکرمی کند مبارزه ما کارگران علیه رژیم مزدور شاه و اربابان آمریکایی اش برای این بود که شاه مزدور فرار کند ولی قوانین نظام پوسیده و ضد خلقی شاهنشاهی به دست عده ای دیگر اجرا شود. اما کارگران هرگز اجازه نخواهند داد که دوباره قوانین نظام شاهنشاهی در مهبنا اجرا شود. وقتی که ما در عمل دیدیم هیچیک از دستگامهای دولتی از خواست انقلابی ما برای جلوگیری از بستن کارخانه پشتیبانی نمی کند مضم شدم که با تکیه به اتحاد و مبارزه خود و کمک بقیه

لغو سود ویژه کارگران و عوام فریبی هیئت حاکمه

طبقه کارگر ایران چون بیش از سایر طبقات تحت استثمار سرمایه داری وابسته است به پیشاز دیگران خواستار مقابله با غارتگری سرمایه داران و نابودی رژیم سرمایه داری می باشد. اما از آنجائی که سازشکاران و انحمار- طلبان قشری از رشد مبارزات توده ها به وحشت افتادند و منافع خود را در خطر می دیدند، به تلاش همه جا نه برداشتند تا صدای اعتراض زحمتکشان را خاموش ساخته و بنا فریب و نیرنگ ابتدائی ترین حقوق آنها را که طی سالها مبارزه به دست آورده اند پس بگیرند. ارتجاع حاکم که منافعی متضاد با منافع طبقه کارگر است می گوید مردم نه برای گرانی و نابودی استثمار و وابستگی بلکه صرفاً بخاطر برخی مسائل و مشکلات دینی مبارزه کردند. آنان می گویند هدف قیام را مطابق مصالح و منافع قشری و طبقاتی خود جا بزنند. اخیراً هیئت حاکمه زیر پوشش فریبنده "شعار ملی شدن کارخانه ها" تصمیم گرفته است سود ویژه کارگران را لغو کند. طرح عوام فریبانه سود ویژه که در رژیم شاه به اجراء درآمد از حیل های جدیدی بود که از طرف سرمایه داران انحصاری و فتر گای آنان برای فریب هر چه بیشتر کارگران به کار گرفته شد. به این ترتیب که سرمایه داران بخشی از دستمزد کارگران را که می بایست به آنها پرداخت نمایند کسر نموده و دوباره همان پول را به عنوان سود ویژه به کارگران برمی گردانند. چنانچه تمام شواهد نشان می دهد حتی در یک مورد هم کارگران در سود ویژه سهم نداشتند. بعلاوه اکثر کارفرمایان می گویند تا آنجا که ممکن است از پرداخت به موقع همین بخش از حقوق کارگران هم شانه خالی کنند.

هیئت حاکمه جدید که تحت عنوان ملی شدن صنایع می گوید غارت کارگران را تشدید کند با پرداخت میلیاردها تومان وام و اعتبار به سرمایه داران از طرف دولت و تقاضای عاجزانه وی از آنان برای بازگشت به ایران همه و همه نشان دهنده ماهیت رژیم کنونی است که هدفی جز تحکیم نظام سرمایه داری و ادامه غارت کارگران بدست سرمایه داران ندارد. به این ترتیب تحت شرایط مشقت بار کنونی هرگونه توجه عوام فریبانه در کسر دریافتی کارگران و زحمتکشان به هر عنوان هدفی جز تشدید گرانی و رنج بیشتر آنان و انباشتن جیب سرمایه داران ندارد. در شرایطی که توده های میلیونی مردم هر روز بیش از پیش تهدید به بیکاری و فشارهای اقتصادی و اجتماعی می شوند و گرانی و ناپایی ما به محتاج عمومی و اجاره مسکن همچنان بیسداد می کند کسر به اصطلاح سود ویژه و با اقدامی نظیر آن بیا همسوق گذاردن اجرای قانون حداقل دستمزد که محصول مبارزات زحمتکشان است از طرف سرمایه داران حاکم و مرتجعین قشری بر علیه زحمتکشان مینماید.

امروز دیگر همه کارگران فهمیده اند که طبقه سرمایه دار با این شیوه می خواهد تضاد خود را با طبقه کارگر را پوشانی کرده و طبقه کارگر را در غارتگری های خود سهیم جلوه دهد و جالب این بود که این حیل سرمایه داران از همان ابتدا باپوزخند کارگران روبرو شد. حاکمیت کنونی با استفاده از موقعیت خود در صدد لغو سود ویژه برآمده است. سود ویژه گرچه عنوان ارتجاعی و غارتگرانه را دنبال می کند ولی به هر حال بخشی از حقوق کارگران است که می بایست پرداخت شود. اکنون هیئت حاکمه سود ویژه را لغو کرده است و این هدفی جز استثمار بیشتر کارگران و حمایت از سرمایه داران غارتگر را دنبال

طبقه کارگر ایران چون بیش از سایر طبقات تحت استثمار سرمایه داری وابسته است به پیشاز دیگران خواستار مقابله با غارتگری سرمایه داران و نابودی رژیم سرمایه داری می باشد. اما از آنجائی که سازشکاران و انحمار- طلبان قشری از رشد مبارزات توده ها به وحشت افتادند و منافع خود را در خطر می دیدند، به تلاش همه جا نه برداشتند تا صدای اعتراض زحمتکشان را خاموش ساخته و بنا فریب و نیرنگ ابتدائی ترین حقوق آنها را که طی سالها مبارزه به دست آورده اند پس بگیرند. ارتجاع حاکم که منافعی متضاد با منافع طبقه کارگر است می گوید مردم نه برای گرانی و نابودی استثمار و وابستگی بلکه صرفاً بخاطر برخی مسائل و مشکلات دینی مبارزه کردند. آنان می گویند هدف قیام را مطابق مصالح و منافع قشری و طبقاتی خود جا بزنند. اخیراً هیئت حاکمه زیر پوشش فریبنده "شعار ملی شدن کارخانه ها" تصمیم گرفته است سود ویژه کارگران را لغو کند. طرح عوام فریبانه سود ویژه که در رژیم شاه به اجراء درآمد از حیل های جدیدی بود که از طرف سرمایه داران انحصاری و فتر گای آنان برای فریب هر چه بیشتر کارگران به کار گرفته شد. به این ترتیب که سرمایه داران بخشی از دستمزد کارگران را که می بایست به آنها پرداخت نمایند کسر نموده و دوباره همان پول را به عنوان سود ویژه به کارگران برمی گردانند. چنانچه تمام شواهد نشان می دهد حتی در یک مورد هم کارگران در سود ویژه سهم نداشتند. بعلاوه اکثر کارفرمایان می گویند تا آنجا که ممکن است از پرداخت به موقع همین بخش از حقوق کارگران هم شانه خالی کنند.

امروز دیگر همه کارگران فهمیده اند که طبقه سرمایه دار با این شیوه می خواهد تضاد خود را با طبقه کارگر را پوشانی کرده و طبقه کارگر را در غارتگری های خود سهیم جلوه دهد و جالب این بود که این حیل سرمایه داران از همان ابتدا باپوزخند کارگران روبرو شد. حاکمیت کنونی با استفاده از موقعیت خود در صدد لغو سود ویژه برآمده است. سود ویژه گرچه عنوان ارتجاعی و غارتگرانه را دنبال می کند ولی به هر حال بخشی از حقوق کارگران است که می بایست پرداخت شود. اکنون هیئت حاکمه سود ویژه را لغو کرده است و این هدفی جز استثمار بیشتر کارگران و حمایت از سرمایه داران غارتگر را دنبال

امروز دیگر همه کارگران فهمیده اند که طبقه سرمایه دار با این شیوه می خواهد تضاد خود را با طبقه کارگر را پوشانی کرده و طبقه کارگر را در غارتگری های خود سهیم جلوه دهد و جالب این بود که این حیل سرمایه داران از همان ابتدا باپوزخند کارگران روبرو شد. حاکمیت کنونی با استفاده از موقعیت خود در صدد لغو سود ویژه برآمده است. سود ویژه گرچه عنوان ارتجاعی و غارتگرانه را دنبال می کند ولی به هر حال بخشی از حقوق کارگران است که می بایست پرداخت شود. اکنون هیئت حاکمه سود ویژه را لغو کرده است و این هدفی جز استثمار بیشتر کارگران و حمایت از سرمایه داران غارتگر را دنبال

ساعات کار کارخانه ها باید از ۱۸ ساعت به ۲ ساعت در هفته تقلیل یابد. این حق است که کارگران جهان طی مبارزات پیگیر و خونین خود بدست آورده اند. سازمان جریکهای فدایی خلق ایران شماره: ۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰ (۵۸/۷/۲)

کار

مردم مبارز انزلی به پشتیبانی از مبارزات برحق صیادان:

جنایت کردستان در انزلی...

طنین شعارهای "درد بر صیاد" جنایت کردستان، در انزلی تکرار شد. "مرگ بر خلقالی"، "انزلی کردستان"، پیوندتان مبارک همراه با صدای گلوله های مسلسل فضای شهر را پر کرده بود. گلوله ها در پاسخ به ندای حق طلبانه صیادانی غلیک می شد که در رژیم گذشته با زور سرنیزه از

صیادان انزلی، مگر ما چه می خواستیم که این بار نیز جوانان را مانند همیشه با گلوله گرفتیم؟ ما می خواستیم حق زندگی کردن و حق کار کردن داشته باشیم تا بتوانیم شکم زن و فرزند خود را سیر کنیم.

انبوه توده های خشمگین و حمایت بی دریغ مردم سراسر گیلان ناتوان دید، با مانورهای عوام فریبانه سعی کرد خود را بی تفاوت نشان داده و با جلو انداختن پاسداران و بهره گیری مزرانه از جنایات وحشیانه آنها برای خود وجهه ای کسب کند و خود را به اصطلاح "قهرمان" و "مردم دار" جلوه دهند. در یادار مدنی که ابتدا برای سرکوب توده ها فراخوانده شده بود با مشاهده خشم توده ها سیاست جلادانه ترور و وحشت را که در خوزستان به کار بسته است کنار گذاشت و جلوگیری از شورش سراسری را به رودررویی با توده ها ترجیح داد.

مبارزات مردم انزلی چگونه آغاز شد؟

با وجود این که نزدیک به دو هفته از کشتار مردم انزلی می گذرد، اما از آن جایی که اخبار جنایت پاسداران و چگونگی مبارزات مردم نه از طریق رادیو - تلویزیون و نه از طریق مطبوعات انعکاس پیدا نکرد، ماخلصه ای از وقایع را در اینجا ذکر می کنیم:

بندر انزلی با جمعیتی حدود

هر کجا حقی از زحمتکشان زایل می شود، هر کجا ستمی علیه خلقهای ایران صورت می گیرد، فدائیان خلق آرزویشان این است که در کنار خلق حضور داشته باشند و با پای زحمتکشان و دوش به دوش آنها علیه ستمگران به مبارزه برخیزند.

با گلوله گرفتیم؟ ما می خواستیم حق زندگی کردن و حق کار کردن داشته باشیم تا بتوانیم شکم زن و فرزند خود را سیر کنیم... ما فکر می کردیم بعد از قیام و بعد از سرنگونی شاه دیکتاتور خال دیگر به این ابتدائی ترین خواست های خود خواهیم رسید... ما دیدیم که همان عوام مسل سربزده رژیم سابق در شیلات به همراه مرتجعین تازه به قدرت رسیده، با همان روابط و ضوابط هنوز در اس کارها هستند. دیدیم که هنوز باید مبارزه کنیم. دیدیم که ابتدا اسرمان را با مذاکرات بهبودی و وعده و وعید گرم کردند و در آخر هر چه زاکه گفته بودند بی شرمانه زیر پا گذاشتند و خود به دریا تور انداختند و هزار ماهی صید کردند. ماهی ها بی گناه قدرت خریدی یک دانه آن را هم ندارند و در جواب اعتراض ما به پاسداران مزدور دستور شلیک

مبارک و "کشتار کردستان در انزلی تکرار شد" به سوی خیابان ها حرکت کردند. تظاهرات گسترده و همه جانبه ای شکل گرفت. وقتی سیل جمعیت از جلوی سپاه پاسداران می گذشت، فریاد اعتراض به اوج خود رسید و خشم مردم دوچندان شد. پاسداران برای درهم شکستن صفوف خشمگین مردم شروع به تیراندازی و مرگباری کردند و تظاهرات مردم را به خون کشیدند. در این تیراندازی های جنون آمیز پاسداران ده ها نفر زخمی گردیدند و چندین نفر شهید شدند.

خاطره جلاخان پهلوی برای همه زنده شده بود. مردم شهر به جمع آوری پنبه و دارو پرداختند و مردان و زنان ها و بچه ها برای اهدای خون جلوی بیمارستان صف کشیدند. مردم رزمنده نیز برای انتقام خون شهدای خود مقر سپاه پاسداران را محاصره کرده و به آتش کشیدند و با بستن راه انزلی - رشت مانع ورود سه کامیون پاسداری شدند که برای سرکوب توده ها بسیج شده بودند. عده ای از پاسداران که هنوز

بقیماز صفحه ۱

حمایت ارتش و زیندار مری و سپاه پاسداران و اعلام این مسئله که "هیچ کس حق صید آزاد در ندارد" می خواست دوباره صیادان را مجبور به تبعیت از روابط ظالمانه گذشته کند اما صیادان که طعم تلخ بدبختی و استثمار را چشیده بودند از قبول آن سرباز زدند و هم چنان بر خواسته های برحق خود ایستادند. مسئولین اداره شیلات نمایندگان آنها را برای حل مسائل و مذاکره خواستند و قول دادند که صید را آزاد کنند. اما به آنچه گفته بودند عمل نکردند و روز تعیین شده، همه قولها را زیر پا گذاشتند.

صیادان وقتی چنین دیدند صبح روز دوشنبه ۲۳ مهر به اعتراض جمعی برخاسته و توره های ماهیگیری شرکت شیلات را جمع کردند و حدود

زندگی صیادان تا همین باید گردد سپاه پاسداران برای همیشه از انزلی اخراج باید گردد فعالیت سازمانهای انقلابی آزاد باید گردد خوابگاه های خلق گرد تا همین باید گردد

داشته اند. یکی اینکه سپاه پاسداران را از جلوی راه خود بردارند و دیگر اینکه ارتش نیروی دریایی را دوست و حامی توده ها نشان دهند. آنها می خواهند با برکت نشان دادن جنایاتی که سپاه پاسداران مرتکب شده اند و با انداختن همه تقصیرها بر گردن قشر روحانیت و عناصر لیبرال از یک سوبی لیاقتی و بی کفایتی این نیروها را به اثبات برسانند و از سوی دیگر ارتش را به عنوان "حامی و دوستدار" مردم نشان بدهند و این تصور را به وجود آورند که گوئی ارتش در هیچ یک از این جنایات دست نداشته است. آنها می خواهند با دادن چهره ملی به این ارتش، ارتشی که هنوز ترکیب اصلی آن دست نخورده باقی مانده است، ارتشی که در حقیقت همان ارتش ریاست جمهوری و پاسدار سرما به داری است و حافظ منافع امپریالیسم است، اینست حمایت توده ها را به خود جلب کنند و سپس زمینه های کودتای دیگری را بی ریزی کنند. اما مردم آگاه ما با شناختی که از ماهیت این ارتش چه به ملت جنایاتی که در گذشته مرتکب شده است و چه با کشتارهایی که در کردستان و سایر مناطق به راه انداخته است، فریب این نیرنگها را نخواهند خورد و همه این موارف فزینی ها را خنثی خواهند کرد. موضع گیری متفاوت جناح های هیات حاکمه در رابطه با مبارزات مردم انزلی حقیقتی دیگر از توده های مبارز است و ماهیت ارتش و سرکوبگرانه حاکمیت کنونی را به این مبارزات روشن گردانان اینکه همه جناح های

رگه های از خصوصیت مردمی را با خود داشتند و کمالات توده زحمتکش نبریده بودند، اسلحه های خود را تحویل دادند و به حمایت از مردم داخل جمعیت شدند و بقیه آنها با سلاحهای خود به طرف مردم هجوم آوردند و با تیراندازی مرگباری که آغاز کردند، عده دیگری را نیز به خون افکندند و با استفاده از تازیکی و باران سیل آسا گریختند. البته یکی دو نفر از آنها به دام افتادند و به دست مردم به سزای اعمال ننگین خود رسیدند.

در اینجا تعداد زیادی از نیروهای ارتش با لباس رسمی و بدون اسلحه در میان مردم دیده می شدند. اینها در حقیقت دودسته بودند. یک دسترا کادرهای جز نیروی دریایی و شهربانی تشکیل می داد که خود به عنوان اعتراض و حمایت از دیگر مردم زحمتکش به جمعیت پیوسته بودند. از میان آنها یک استوار و یک پاسبان در اثر تیراندازی پاسداران شهید شدند. اما دسته دیگر بخشی از کادرهای غیر مسلح نیروی دریایی و تعدادی از کادرهای شهربانی بود که به دستور فرماندهان و به منظور اجرای سیاستهای سرکوبگرانه ارتش وارد شهر شده ظاهر مردمی به خود گرفته بودند و می خواستند با شیوه تهدید و تحبیب کنترل شهر را به دست بگیرند. مردم از همان ابتدا به نیرنگ و فریب آنها بی بردند و آنها را همراه با فرماندهانشان از میان صفوف خود بیرون کردند. موج مبارزات شهرهای دیگر شمال را فرا گرفت و اعتراضات وسیعی علیه حاکمیت و پاسداران

۸۰ هزار ماهی صید شده را درون کامیون های شرکت ریختند و پس از زحمتکشان شهرتقسیم کردند و با شعار "مرگ بر شرکت تعاونی، زنده باد صیاد آزاد" به طرف شیلات حرکت کردند. در این اثنا سپاه پاسداران به سوی آنها هجوم آورده و شروع به تیراندازی کردند که به دنبال آن دو نفر از صیادان در خون غلتیدند که یکی به نام قربانعلی یعقوبی دردم شهید شد و دیگری به بیمارستان انتقال یافت. در اثر این تیراندازی ها دست نماینده صیادان نیز مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کف دستش متلاشی گشت. جمعیت هجوم آورد. زن و بچه و پیر و جوان گرد آمدند. انبوه توده های زحمتکش به حمایت از صیادان برخاست. جمعیت با شعارهای "مرگ بر ارتجاع"، "مرگ بر خلقالی" و "مرگ بر پاسداران" خشم و نفرت خود را نشان دادند و پاسداران کردند. پاسداران که خشم و کینه مردم را دیدند برای درهم شکستن مقاومت صیادان بار دیگر اقدام به تیراندازی کردند و مردم بی دفاع را به خاک و خون کشیدند. مردم نیز متقابلا بر شیلات حمله کرده و فروشگاه تعاونی و یکی از انبارهای بزرگ و ساختمان دفتری آن را به آتش کشیدند. فرادای آن روز تمام شهر به سوگ شهیدانشست. همه ادارات تعطیل شدند و تمام کسبه شهر بازارهای خود را بستند. مردم با کوششهای زیاد جنازه شهدای خود را از بیمارستان گرفته و با شعارهای "مرگ بر پاسدار، نوکسر ما به دار"، انزلی، کردستان، پیوندتان

۱۳ آبان سالروز مبارزات ...

بقیه از صفحه ۱۲

پاکسازی ادارات و مدارس از عناصر ضدانقلاب، انقلابی ترین فرزندان خلق را اخراج کرده، فعالیت های اجتماعی دانش آموزان را ممنوع می کنند. خلق کرد را به شیوه ای که در تمام تاریخ خونین آن بی سابقه است به خاک و خون کشیده اند. هر جا اعتراضی هست گلوتلوهو سرکوب و کشتار مردم هم هست سرمایه داری وابسته از طریق احیای ارتش و بازسازی دستگاه دولتی می کوشد سلطه آسب دیده خود را ترمیم کند. این تباهی ها حقایق بسیاری را بر ما آشکار می سازد. و مهمتر از همه اینکه مبارزه در راه نابودی سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری هنوز نه تنها پایان نیافته است بلکه تا پایان آن که برقراری جمهوری دموکراتیک خلق است راه درازی در پیش داریم. ما امروز آموخته ایم که جنبازی و فدائکاری توده ها وقتی تحت رهبری پیشرو واقعی طبقه کارگر سازمان نیابد به همان سرنوشی دچار خواهد شد که اکنون جنبش خلق مابدان دچار شده است. و در این میان جنبش دانش آموزی و دانشجویی و وظایف خطیری بر عهده دارد. نیروی عظیم و انرژی انقلابی بیکران دانش آموزان و دانشجویان باید همچون اهرمی قوی در بریدن آگاهی سیاسی و طبقاتی به میان توده ها به کار گرفته شود. دانش آموزان پیشرو باید نقش خود

را در سازماندهی توده دانش آموزان و ارتقاء آگاهی آنان نسبت به جامعه دولت، انقلاب ایران و اوضاع جهان معاصر تا حد امکان ایفا نمایند. بدین لحاظ ابتدا باید تا حد امکان دانش سیاسی و آگاهی اجتماعی خود را ارتقاء دهند. دانش آموزان پیشرو در محیط زندگی، در خانه مدرسه و در مرحله خود باید از طریق هسته های منظمی که تشکیل می دهند و با از طریق پیوندهای مستحکمی که باید یکدیگر ایجاد می کنند، در فعالیت اجتماعی، در کارهای محلی، در سازماندهی اعتراضات حق طلبانه مردم فعالانه شرکت جویند. وظایف دانش آموزان پیشرو تنها به پیش ساده نشريات انقلابی یا حداکثر به تشکیل هسته های مطالعاتی محدود نمی شود. آنان باید در مبارزه مردم برای حل مسائل و مشکلاتشان جمعی و بطور فعال شرکت کنند. در ایجاد کانونهای اجتماعی جوانان، تشکیل گروه های کوهنوردی، کتابخانه های محلی، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائلی که در فعالیت علنی و نیمه علنی قابل طرح است بکوشند. دانش آموزان پیشرو باید روابط خود را با مردم زحمتکش به ویژه با عناصر کارگری گسترش دهند. دانش آموزان یکی از بهترین کانال های ارتباط سازمان با توده کارگران و زحمتکشان هستند. باید بادرک عمیق از موقعیت خود در جهت گسترش روابطشان با کارگران و زحمتکشان بکوشند و از این طریق خود را برای قبول وظایف خطیرتری که فردا بر عهده شان قرار خواهد گرفت، آماده کنند.

مردم مبارزات انزلی به پشتیبانی از مبارزات برحق صیادان

بقیه از صفحه ۵ جنایت کردستان در انزلی تکرار ...

حاکمیت کنونی یک چیز را در نظر دارد و آن سرکوب خلق و سرکوب همه زحمتکشان و همه نیروهای مبارز است. مثلاً روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۵ مهر ماه به نمایندگی از طرف بخشی از افسار روحانیت بلافاصله مبارزات مردم انزلی را به عنوان "ضد انقلابی" معرفی کرده و مصرا نه خواستار سرکوبی خونین آنها می شود و تلاش می کند با منحرف کردن افکار عمومی زمینه را برای به کار گرفتن هر چه وسیعتر ارتش جهت سرکوبی خلق ها و زحمتکشان فراهم سازد. روزنامه جمهوری اسلامی بدون آنکه به کشته شدن ده ها نفر از زحمتکشان انزلی اشاره کند پیرامون کشته شدن سه پاسدار تبلیغات وسیعی پراهنده کرده و می گوید: آنها که به مقر پاسداران حمله نمودند همه آنهاست که تظاهرات پراهنده انداختند و پاسداران را از شهر بیرون ریختند، فدائیان خلق بوده اند. رادیو تلویزیون نیز در پیش اخبار خود به همین مسئله اشاره کرده و بیان می دارد که فدائیان خلق، خواستار بیرون رفتن پاسداران از شهر و خلع سلاح آنان هستند. اکنون آشکار می شود که منظور آنها از فدائیان خلق همان توده های مردم است. سازمان ماطی اعلامیه ای که در رابطه با مبارزات حق طلبانه مردم انزلی انتشار داد، اعلام کرد "برای فدائیان خلق مایه

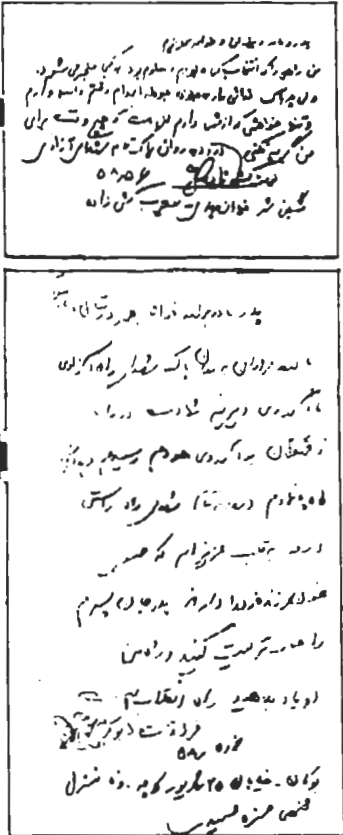
بسی افتخار است که در این زمان نام آنها با نام مردم یکی شده است... فدائیان خلق پیوسته پرچم رهایی رنجبران را در دست داشته و همواره جان برکف در کنار آنها برای رهایی از قیدستم و بهره کشی مبارزه خواهند کرد. روزنامه جمهوری اسلامی و دیگرگان های سخن پرانکی رژیم با همه نیت و اهداف ارتجاعی که دارند و با هر قصد و منظوری که این اخبار را پیش می کنند، یک حقیقت را نادیده نگرفته اند و آن این است که هر کجا توده های زحمتکش علیه استثمارگران و استثمارگران به مبارزه می خیزند و هر کجا این مبارزات با سرکوب خونین در خیابان روبرو می شود، آنها فدائیان رابه یاری می طلبند و شعار "فدائی، فدائی" بالا می گیرند.

آری، درست است. واقعا هم هر کجا حقی از زحمتکشان زایل می شود، هر کجا ستمی علیه خلق های ایران صورت می گیرد، هر کجا که سرمایه داران و عواما مل امپریالیسم به چپاول و غارت و استثمار کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان می نشینند، فدائیان خلق از وی شان این است که در کنار خلق حضور داشته باشند و با پهای زحمتکشان و دوش بدوش آنها علیه استثمارگران به مبارزه برخیزند. پیروز باد مبارزات حقیق طلبانه خلق های ایران

فدائیان خلق با خلق خویش ...

وابسته به بیگانه معرفی می کنند به دنبال یورش سبعا نه و وحشیانه ارتجاع به کردستان برای سرکوب خلق کرد، ماهواره سرده از جنایات فجیع آنان برداشته و نشان داده ایم که چگونه زحمتکشان راه خلق قهرمانان در راه آرمانها و اهداف خلق زحمتکش ایران مبارزه کرده اند و به دست عمال ارتجاع شهید شده اند. اسناد این جنایات به قدری زیادند که تنها ارتجاع است که می تواند مدعی ساختگی بودن آن باشد. وصیتنامه رفقای شهید ابوبکر خمیدی و رفیق یوسف کشتی زاده (فدائی خلق) نشان عهد و پیمانی است که این رزمندگان رهائی خلق با خلق قهرمان ایران بسته اند.

ماهیت جلادانی که بهترین فرزندان خلق را اعدام می کنند، برای مردم آشکار است و همانطور که جلادان ساواک در دادگاه خلق محاکمه و اعدام شدند، این جلادان نیز به سزای فجایع و اعمال ننگینشان خواهند رسید.



بقیه از صفحه ۱ پدر و مادر و برادران و خواهر عزیزم من راهی را که انتخاب کردم بودم معلوم بود که کجا منجر می شود ولی چه باک. فدائی وار به جلیوی جوخه اعدام رفتم و امیدوارم و تنها خواهشی که از شما دارم این است که هیچوقت برای من گریه نکنی. درود بدو روان پاک تمام شهدای راه آزادی یوسف کشتی زاده مشکین شهر -

پدر و مادر، برادر و خواهر و همسر و دوستان و فامیلهایم با درود فراوان به روان پاک شهدای راه آزادی به آرزوی دیرینم، شهادت در راه زحمتکشان به آرزوی خودم رسیدم. در آن راه پای نهادم. درود به تمام شهدای راه آزادی درود به قلب عزیزانم که خون فرزند خود را دارند. پدر جان پسر را خوب تربیت کنید و راه او را به یاد دهید راه انقلاب است. فرزندت ابوبکر خمیدی بوکان -

سازمان ارتجاعی "امل" به سرکردگی ...

خیمینی برای بررسی وضع جنوب لبنان وارد بیروت شدند و امروز ۲۴ مهر رهسپار جنوب لبنان گشتند. سفر این هیئت که مشخص نیست با اطلاع دولت جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته یا خیر، مورد استفاده تبلیغاتی محافظل طرفدار لیبی در بیروت قرار گرفته است. همچنین به نظرمی رسد که سفر این هیئت و استفاده تبلیغاتی از آن در واقع عکس العملی است در برابر دیدار هیئت گذشته دکتر سادق طباطبائی از جنوب لبنان که با لباس رزم انجام گرفت و با استقبال پر شور و تظاهرات کم نظیر ساکنان جنوب لبنان... روبرو شد. روزنامه السفیر وابسته به رژیم لیبی خبر ورود حجت الاسلام خمینی و هدف های آنرا مفصلا نوشته و از قول او گفته است: مردم جنوب لبنان باید مسلح شوند و دوش به دوش برادران فلسطینی با اسرائیل بجنگند... ما بارها از دولت مهندس بازرگان خواسته ایم و می خواهیم که در اسلحه خانه های موجود در یادگانهای ایران راباز کنند و بول و اسلحه در اختیار انقلاب فلسطین و مردم جنوب لبنان بگذارند.

منبع خبر در ادامه گزارش اضافه می کند که: حسین خمینی در این مصاحبه تلویحاً از سازمان امل و مجلس عالی اسلامی شیعه لبنان انتقاد کرده است. این منبع گزارش خود را چنین ادامه می دهد: "... به نوشته روزنامه السفیر آقای خمینی با هیئتی از حزب اتحاد سوسیالیستی عرب (وابسته به رژیم لیبی) در بیروت ملاقات کرد و بعد از آن حزب اعلامیه ای منتشر کرد که در آن گفته شد آقای حسین خمینی نماینده رسمی امام گفته انقلاب دوم همه

حدود سه هفته پیش صادق طباطبائی سخنگوی دولت از لبنان دیدار کرد. گفته شده است یکی از مامورینهای او بررسی شرایط جنوب لبنان و ارزیابی نیازهای دفاعی این منطقه جهت تعیین کم و کیف کمک دولت ایران به این منطقه بود. دیدار طباطبائی طبق برنامه حساب شده باند چمران و دقیقاً به منظور رسمیت بخشیدن به مواضع ارتجاعی و ضد فلسطینی سازمان ارتجاعی "امل" ترتیب یافت. با توجه به افشاکری های نیروهای مترقی پیرامون باند چمران و توضیحاتی که فلسطینی ها در این باره به امام داده اند و نیز به خاطر بی اعتمادی ناشی از تضادهای میان جناحهای حاکمیت آیت الله خمینی نیز هیئتی را به سرپرستی آقای حسین خمینی به لبنان می فرستد. ظاهراً حسین خمینی در حال حاضر با مصالح و سیاست هایی که مورد نظر هیئت حاکمه باند چمران است همسوئی و توافق کامل ندارد لذا طی دیدارها و گفتارهای خویش، نظرات خود را پیرامون ترکیب دولت و سیاستهای آن، باند چمران و جنبش "امل" و نقش ارتجاعی سرکردگان آن بیان داشته است.

از این نظر دستگاه جاسوسی باند چمران در لبنان از همان لحظات ورود ورود حسین خمینی به لبنان به دست و پا افتاده و گزارش سریعی برای باند چمران به ایران ارسال داشته است. تذکر این نکته لازم است که در بالای گزارش مذکور جمله "فقط جهت اطلاع آقای قطب زاده" دیده می شود. در گزارش مزبور که قسمتهای آن را نقل می کنیم آمده است که: روز گذشته (۲۳ مهر) آقای سید حسین خمینی نوه امام به اتفاق تنی چند از روحانیون از سوی امام

بقیه از صفحه ۱

منافقان و فرصت طلبانی را که خود را به انقلاب آویخته اند از میان خواهد برد. آنچه گزارش جاسوسان سازمان "امل" بیش از همه به چشم می خورد تا کیدی است بی اعتمادی جناح های حاکم نسبت به یکدیگر و مهمتر از این آنچه که برای خلق ما اهمیت بیشتری دارد ضربه بزرگی است که در مضمون برخورد این حاکمیت ارتجاعی نسبت به پیوند میان خلق های ایران و فلسطین و لبنان نهفته است.

این انحصار طلبان اکنون که تحت فشار توده های قهرمان ایران مجبور به موضع گیری ظاهری به نفع جنبش فلسطین و پایبندی مردم جنوب لبنان شده اند هر یک می خواهند این روابط را وسیله ای در خدمت مصالح گروه خویش قرار دهد.

باند جنایتکار امل، این زمینه سازان کشتار خلق رزمنده فلسطین در تسل زعترو پایبندی شناخته شده اند در ایران چون چمران، قطب زاده طباطبائی و یزدی که اخیراً با فرماندهان سرسپرده ارتش روی هم ریخته اند اکنون برای اغفال مردم ظاهر ابرای جنبش خلق فلسطین اشک تمساح می ریزند. اینان در حالی که در این چند ماهه اخیر زحمتکشان را به خون صدها تن از مردم زحمتکش مبین ما آلوده اند می کوشند تمجیدهای توخالی از فلسطین را وسیله ای برای پنهان کردن ماهیت و سوابق ضد مردمی خود سازند و تحت عنوان حمایت از خلق فلسطین توطئه های خود را علیه خلق های فلسطین و ایران جامه عمل بیوشانند. مردم ما از قاتلان خلق قهرمان کردستان و شریک قتل عام تل زعترو دارو دسته اش انتظاری جز این ندارد.

مادر احسن و شهریار ناهید :

فرزندانی که جرم کرد بودن اعدام...

بقیه از صفحه ۱۲

" مبارزین کرد را در گروههای چند نفری پیش خلع خالی جلاد می آوردند و او بلافاصله دستور تیرباران آنها را صادر می کرد . احسن و شهریار و یک دانش آموز داشت نزد جلاد آوردند . او پرسید اینها چکاره اند ؟ یکی از پاسداران گفت دو نفر هانشجوی سنندجی و یکی دانش آموز که گفته می شود با کردها همکاری داشته اند . از قیافه و نحوه برخوردشان با پاسدارها نیز معلوم می شود که " چپی " هستند . خلع خالی جلادها آن چهره نفرت انگیز چند لحظه به آن سه نفر که یکی از آنها بر روی برانکارد بیمارستان خوابیده بود (نگریست و گفت همین دلایل کافی است . محکوم به تیرباران می کنیم تا دیگران عبرت بگیرند . یکی از پاسداران که بهت زده شده بود گفت :

" یکی از آنها مجروح است و نمی تواند بایستد . یک نفر دیگر که کمتر از ۱۸ سال دارد . خلع خالی جلاد این قاتل دیوانه بی اعتنا به سخنان این پاسدار ساده دل و فریب خورده دوباره گفت :

" حکم من تیرباران هر سه نفرشان است . در هر وضعیتی که هستند . " (آن پاسدار بعد از مردن بیوست و بسیاری از اسرار بیدادگاهها و جنایات رژیم را برملا کرد) .

" مادر " در مورد چگونگی تحویل گرفتن اجساد فرزندان شهیدش گفت :

" پس از مدتی رفت و آمد توانستیم جسد ها را تحویل بگیریم

بدن پسر کوچک " شهریار " را سوراخ سوراخ کرده بودند . آنقدر گلوله به سر و صورتش زده بودند که نمی شد او را شناخت . صورتش متلاشی شده بود . پسر بزرگم " احسن " را که نمی توانست به علت جراحت پاهایش ، بایستد بصورت درازکش اعدام نموده و سرتاسر بدنش را گلوله باران کرده بودند . چند نفر از کسانی که شاهد این جنایت وحشت آور بودند موفق شدند عکس و فیلم بگیرند . من دو روز پس از اینکه اجساد فرزندانم را به چشم دیدم و عکسهای تیرباران آنها را مشاهده کردم به تهران آمده و نزد مرحوم طالقانی رفتم و ماجرا را به ایشان گفتم . مرحوم طالقانی ابتدا باور نمی کرد و می گفت این کارها راحتی رژیم گذشته نیست انجام نداد ما امکان ندارد چنین وقایعی صحت داشته باشد . و لسی وقتی ایشان با تاشروگره شدید من روبرو شد و عکسها و اسناد مربوط به این جنایات را مشاهده کرد به حقیقت موضوع پی برد . مرحوم طالقانی به شدت خشمگین شد و چند بار به پیشانی اش زد و گفت " وای بر ما ! وای بر ما ! من جواب شما را چه بدهم ؟ "

مادر احسن و شهریار ناهید در طول سخنان خود بارها از خاطره فرزندان دیگر خلق کرد که به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به فجیع ترین شکل به قتل رسیدند یاد کرد و گفت :

" با پاهای یک حکومت می تواند بر روی چنین جنایاتی استوار بماند ؟ ننگ این اعمال جنایت آمیز تا بد بر پیشانی این حکومت باقی خواهد ماند "

که در مجلس یاد بود فرزندان شهیدش سخن می گفت در حالیکه به شدت متأثر بود به سخنانش چنین ادامه داد .

" ... به پای پسر بزرگم احسن که امسال در رشته مهندسی فارغ التحصیل می شد ، شش گلوله زده بودند و در حالیکه تا شکمش گچ بود تیرباران کردند . نه دادگاهی ، نه چیزی ، فقط سه روز پس از دستگیری او و برادرش عده دیگری را نا جوان مردانه تیرباران کردند . هر چه غذا و کمبوت برایش به بیمارستان فرستادیم به او ندادند ، هر چه مراجعه کردیم تا او را ملاقات کنیم ، نگذاشتند . در آخرین روزی که از مسئولین بیمارستان مرابه ملاقاتش سرد . احسن بیپوش بود . مدتی بعد به هوش آمد و از زبان خودش چگونگی برخوردش را با دژخیمان بیان کرد و گفت " آنها ابتدا به پاهایم شلیک کردند و من دیگر چیزی نفهمیدم تنها یاد می آید که هنگام انتقال به بیمارستان سنندج ، شهریار مرا به دوش گرفته بود و به خاطر بی توجهی پاسداران به آنها اعتراض می کرد "

مادر رفقای شهید ، احسن و شهریار ناهید ، در حالی که چشمانش از اشک پر شده بود افزود " احسن نمی توانست حرکت کند و در این سه شبانه روز به شدت ضعیف شده بود . روی دستهای بدنش " خون مردگی " و زخم های

من از چه کسی باید داد خواهی کنم ؟ دو پسر جوانم را بی گناه بودن محاکمه ، تنها به خاطر اینکه کرد و دانشجو بودند و به گفته مرتجعین آدم کش ، " برای عبرت دیگران " تیرباران کردند من جواب خواهر آنها را چه بدهم ؟ چگونه باور کنیم که جگر گوشه هایم " احسن " و " شهریار " اینطور وحشیانه اعدام شده اند ؟ به خدا قسم " شعریزید " هم اینطور نبودند . آنها " زین العابدین " را به خاطر اینکه بیمار بودند نکشتند . ولی ایسن جلادان ، در حکومت اسلامی ، فرزند مجروح " احسن " را که شش گلوله در پایش بود و در تب می سوخت در کنار برادر کوچکش " شهریار " خوابانده بود و رگبار گلوله بستند آیا این است مفهوم عدل اسلامی ؟ ...)

جملات بالا قسمتهایی از سخنان مادر در دکشیده " احسن و شهریار ناهید " است که فرزندان در فریب دوشنبه پنجم شهریور همراه با هفت رزمنده دیگری به اسامی " ناصر سلیمی (از ناحیه دست مجروح بود) ، جمیل پخجالی (دانش آموز) ، عطاء زندی ، علی اصغر مبصری ، مظفر رحیمی محی الدین ، عیسی پیر ولی و عبدالله فولادی تیرباران شدند . (در این جنایت ۱۱ نفر اعدام شدند که دو نفر از آنها وابستگان رژیم سابق بودند) .

مادر احسن و شهریار ناهید

شهید دیگری از خلق کرد یاد رفیق شهید طهمورت اکبری

گرامی باد

مربوان در یاد ماندنی و فراموش نشدنی است . هر کجا که ارتجاع علیه منافع خلق سنگر گرفته بود رفیق با تفنگش در سنگر مقابل ایستاده و قاطعانه مبارزه می کرد . در جریان حمله اخیر ارتجاع به کردستان او و رفقای دلیر همزمش به کوه رفت و مبارزه را ادامه دادند .

طهمورت در روز نهم شهریور هنگامی که با رفیق قواد سلطانی از اعضای سازمان انقلابی زحمتکشان راهی بانه بود در یک درگیری چند ساعته با نیروهای ارتجاع دلیرانه جنگید و خون خود را در راه رهاشی خلق زحمتکش کرد و دیگر خلقهای ایران تقدیم کرد و بار دیگر ایران حماسه جانبازی فرزندان راستین خلق را تا ابد با خود بخشید . او راه هزاران شهید طبقه کارگر ، راه سرخ زحمتکشان ، راه فدائیان خلق را ادامه داد و خونش کوهستان های کردستان را گلگون کرد . از خون او هزاران شقایق سرخ خواهد دروید .

جاودان باد یاد شهیدان به خون خفته خلق و ننگ و نفرت بر ارتجاع و امپریالیسم

رفیق طهمورت اکبری در سال ۱۳۳۷ در خانواده ای کم درآمد متولد شد . او خیلی زود به خاطر محیط و شرایط زندگی خود و درک درد و رنج به آگاهی طبقاتی دست یافت و در راه سرخ رهایی زحمتکشان قدم نهاد .

طهمورت تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۵۶ در مربوان تمام کرد و در آن زمان که جنبش خلق ایران اوج می گرفت او نیز همای تمام خلق محروم و زجر کشیده ایران علیه رژیم پهلوی فعالیت می کرد . او همراه رفقایش ساعت ها به دست نویسی و تکثیر اعلامیه ها و جزوه های انقلابی می پرداخت و بدین طریق آگاهی مارکسیستی - لنینیستی را بین توده ها رواج می داد . طهمورت بنیانگذار تشکیلات سیاسی محصل دانشجو و نیز تشکیلات پیشگام مربوان بود و عملاً در هدایت و رهبری آن نقشی موثر و بارز داشت . او همسراه پزشکان کوله بارهای دارو را بدوش می کشید و به روستاهای دور و پرت کوهستانی می رفت و با صداقت و مهربانی به درد روستائیان می رسید بر خورد ها و فعالیت های طهمورت در جریان کوچ مردم مربوان و پورش پاسداران به آنها برای تمام مردم

بقیه از صفحه ۱۲

گرامی باد

یاد فدائی شهید ...

بودند بچندکودر هنگام بازگشت در حالی که رفیق احسن ناهید را بردوش حمل می کرد توسط نیروهای دولتی دستگیری شود رفیق جمیل چون تمام رفقای فدائی پوزه دشمنان خلق را در محاکمه فرمایشی دادگاه شرع به خاک مالید . در محاکمه های که حاکم شرع با حاکم قوه خواست در دل او رعب و ترس بنهاند گفت :

" من فدائی خلقم . اگر مرا بکشید پاک ندارم . زحمتکشان انتقام مرا خواهند گرفت . "

خلع خالی مثل تمام همکاران رسوایش در طول تاریخ قه قه خندید و شروع به مسخره کردن اعتقادات رفیق نمود و رفیق چهره این جلاد را با آب دهان مزین کرد . رفیق را تا هنگام اعدام بارها و بارها شکنجه کردند . هنوز فریادهای او طنین انداز است که می گفت :

" من فدائی خلقم و آرزوی من جز گشته شدن در راه خلق ندارم رفیق در وصیت نامه پرشور خود شعرگونه ای سرود که قسمتی از آن را نقل می کنیم :

کرد و در متشکل کردن و به راه انداختن تظاهرات نقش اساسی داشت و بر اثر همین فعالیتها به وسیله ساواک دستگیر شد و مدت یکماه در زندان ساواک بسربرد . رفیق پس از پیروزی قیام به سنندج آمد و در دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق به فعالیت پرداخت . رفیق عاشق صادق زحمتکشان بود . رفقای او هنوز شب های بسیاری را که رفیق تاحص بیدار می ماند و مطالعه می کرد یا به تک تک خانه ها سر می زد و اعلامیه های سازمان را پخش می کرد به یاد دارند . رفیق صادقانه می کوشید فدائی خلق با غدو و بیکروز به دوستانش گفت :

" آرزوی من خدمت به خلق است . اگر در این راه اعدام هم بشوم آن گلوله هائی را که به خاطر خلق به طرف من می آید خواهم بوسید . " رفیق به خاطر تحقق به آرزوی در کمیت دهقانی دفتر هواداران سازمان به فعالیت پرداخت و آخرین بار هنگامی که به کمک دهقانان شناخته بود تا علیه فتوایهای مسلح شده توسط دولت که به دهقانان حمله کرده

گرامی باد خاطره همه شهدای به خون خفته خلق

گزارشی از اعتصاب فاسترویلرتهران جنوب وابسته به صنایع فولادهاواز

کارگران می گویند: تنها شورائی می تواند حقان را از کارفرما بگیرد که اعضایش، نمایندگان واقعی ما باشند

پروژه صنعتی مجتمع فولادهاواز از اوایل سال ۵۵ آغاز شد و تاکنون ۶۰ درصد کار به اتمام رسیده است. شرکتهای بزرگی که در پروژه صنعتی صنایع فولاد مشغول بکار هستند عبارتند از: "فاستر ویلر" تهران جنوب (که شامل چهار شرکت: کورف، لورگی، اچ، وی. ال. و سوفر ساید است) "ماشین سازی" و "مانا".
چهار شرکت فوق الذکر شرکتهای جداگانه ای هستند که بپیرامون کنسرسیومی بنام "فاسترویلرتهران جنوب" جمع شده اند. تعداد کارگران تقریباً ۳۰۰ نفر است.

کارگران فولاد که با مبارزات قهرمانانه خود چه در قیام و چه قبل و بعد از آن همواره مبارزه سرسختانه ای را برای کسب حقوق خود در هم کوبیدن هرگونه توطئه ضد کارگری ادامه داده اند، امروز نیز به شکلی دیگر این مبارزه را علیه دشمنان طبقاتی خویش دنبال می کنند. در این جاماسعی می کنیم علل و چگونگی اعتصاب اخیر کارگران فاسترویلرتهران جنوب (بزرگترین شرکت پیمانکاری صنایع فولاد) و اتحاد بی سابقه و پیروز مند کارگران را در برابر حق کشی ها و توطئه ها - چینی های کارفرمایان و عوامل آنان روشن نمائیم.
نزدیک به سه ماه است که از آغاز فعالیت "شورای اسلامی زحمتکش فاسترویلرتهران جنوب" می گذرد. شورای شرکت نامبرده دارای ۴۰ نماینده می باشد که از این نمایندگان ۳۰ نفر در شورای کارگاه و ۱۰ نفر در شورای مرکزی فعالیت می نمایند. با توجه به اینکه عناصر وابسته به کارفرما برای راه انداختن تبلیغات وسیع به نفع خود شان امکانات وسیعی داشتند، در زمان برگزاری انتخابات شورا، انتخاب نمایندگان واقعی کارگران میسر نشد و در نتیجه جز تعداد اندکی نماینده واقعی که بر چند اراعتصابات و مبارزات گذشته بودند، اکثر نمایندگان شورا، بخصوص شورای مرکزی یا از دروازه کارفرما بودند و یا عناصر ساده دلی که بر اثر شدت یافتن برنامه های تبلیغاتی و انحرافی رژیم حاکم موجود، ناگاهانه به سازش با کارفرما کشیده شدند. این شورا بنا بر ترکیب غیر کارگری نمایندگان و نیز به علت تاثیر عوامل کارفرما از خارج بر آن، علاوه بر اینکه نسبت به خواسته های کارگران بی توجه است، عملاً به مانعی در راه حرکت کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان نیز تبدیل شده است.

به دنبال مذاکرات بیپوده "شورای اسلامی زحمتکش فاسترویلرتهران جنوب" که از یک ماه و نیم پیش جهت رسیدگی به ۲۳ خواسته کارگران با مسئولین امر آغاز گردیده بود، بالاخره طی یک دعوت عمومی که از طرف شورای مرکزی این شرکت به عمل آمد، در ساعت ۸ صبح بیست و پنجم شهریور ماه جلسه ای با حضور سه هزار تن از کارگران در فضای باز جلوی کارگزینی تشکیل شد. مشورت نکردن شورای مرکزی با شورای کارگاه هادر مورد دعوت کارگران به این جلسه، از طرف نمایندگان پشت پا زدن به اصول انضباط نامه شوراتلقین شد و محکوم گردید.
در میان انبوه کارگران، نمایندگان با دستهای پراکنده کارگران بر سر این موضوع بحث می کردند و مخالفت خود را ابراز می داشتند. یکی از نمایندگان می گفت: "این کار اشتباه است. ما بی خود خودمان را درگیر این مسائل کرده ایم، در شورای مرکزی عناصر خائن و خود فروش وجود دارند. آنها با رئیس شرکت تهران جنوب زد و بند دارند."
در گوشه و کنار جلسه در میان کارگران، عناصر مشکوک نیروی ویژه دیده می شوند. آنچه که از چهره و نگاه های کارگران خوانده میشد بی اعتمادی و نفرت بی سابقه نسبت به شور و آتش خشمی عمیق نسبت به کارفرما بود. همه از توطئه هایی که علیه نمایندگان مبارز چیده شده بود، سخن می گفتند. حرفهای کارگران نشان می داد که همه آنها در این مدت کوتاه دوستان و دشمنان خود را شناخته اند. کارگران دیگر میدانستند که چه کسی به کارفرما خدمت می کند و چه کسی به کارگر. آنها اسمی کسانی را جزو خائنین می آوردند که تا دیروز با پنهان کردن خود زیر ماسک "دفاع از اسلام و انقلاب" خود را حامی کارگران و دشمن سرمایه داران معرفی می نمودند.

یکی از کارگران می گفت: "حالا دیگر ماهیت آنها روشن شده. هیچ از خودتان پرسیده اید که چرا خاکسار را بیرون کرده اند؟ مگر خاکسار جز دفاع از حق کارگران، کار دیگری هم کرده است...؟"
در این میان نمایندگان شورای مرکزی با یک بلندگوی کوچک دستی آمدند و کارگران را به گرد خود جمع کردند. یکی از نمایندگان برنامه سخنرانی شورا را اعلام کرد. سپس نمایندگان یکی یکی شروع به صحبت کردند. صحبتهای آنان از همان آغاز با بی اعتنائی کارگران روبرو شد. در همین زمان همهمه ریز و بیگناختی از میان کارگران بلند شد و آنجا که نماینده ای صحبت از وجود عناصر به اصطلاح منافق! در میان صفوف کارگران کرد، دیگر تاب و تحمل بر کسی نماند. در این میان کارگر ۵ ساله ای که به شدت برافروخته و عصبانی بود، با صدای پسر طنین خود نظر همه را جلب کرد:

"این نماینده دروغ می گوید! کارگران! شما نباید به این حرفها گوش بدهید. این شورا، شورای کارفرماست! هر وقت جمع شدیم از حقوقمان صحبت کنیم، گفتند باید منافقین و ضد انقلابیون را فلان و بهمان بکنیم. شما نمایندگان قلابی باعث نفاق هستید، ما شما را قبول نداریم. من می رسم مگر ما کارگرها نبودیم که انقلاب کردیم؟ همه این کارگرها که اینجا هستند، همین ها مبارزه کردند. چطور شد که حالا

ضد انقلابی شدند؟"
کارگران با فریادهای تحسین آمیز حرفهای او را تایید کردند و مصرانه خواستند که به حرفهایش ادامه دهد. آنها او را روی دستهای خود بلند کردند و به جایگاه سخنرانی رساندند. او ادامه داد:
"امروز هفت ماه است که از انقلاب می گذرد. تا حالا برای ما چکار کرده اند؟ تا حرف میزنیم، میگویند "کافر" و "ضد انقلاب" همماش از ما صبر می خواهند. نمیدانیم تا کی باید صبر کنیم. هر وقت خواستیم چیزی بگوئیم، گفتند: حرف نزن، والا میکشند. بگذار مرا بکشند، بگذار تکه تکه ام کنند، اما حرفم را بزنم. حرف من حرف تمام کارگران است."

آن موج خشمی که از پیش نسبت به نمایندگان قلابی شورادر میان کارگران بالا گرفته بود، با جسارت تحسین آمیز این کارگر به اوج خود رسید. همه کارگران یک صد شور و راه خاطر سازش با کارفرما، ارتجاعی و ضد کارگری خواندند و خواستار انحلال آن شدند. در اینجا یکی از کارگران بالا رفت و گفت: "برادران کارگر. توجه داشته باشید که ما با شور و اصل شور مخالف نیستیم. ما شوراهای ضد کارگری و نماینده های خود فروخته نمی خواهیم. ما باید نمایندگان قلابی را از شور بیرون بیاوریم و نمایندگان واقعی خود را به شور بفرستیم."

درد بر کارگران آگاه و مبارز فاسترویلرتهران جنوب
ما شرح کامل ادامه این
اعتصابات را برای تجربه بیشتر
کارگران مبارز ایرانی در این شماره و
شماره آینده نشریه چاپ خواهیم کرد.

یکی از نمایندگان کارگران فاسترویلر:
ما می گوئیم: حق مسکن
کارفرما می گوید: کمک مسکن
ما می گوئیم: حق خواربار
کارفرما می گوید: کمک هزینه
ما می گوئیم: حق بهداشت
کارفرما می گوید: کمک درمانی
می دانید چرا؟
چون هر وقت کارگران موفق
می شوند حقوق واقعی خود را
از چنگال کارفرما بیرون بکشند،
اوسعی می کند با فریبکاری و وارونه
جلوه دادن حقایق سرمایه داری بگذارد

حرکت دوران ساز کارگران قهرمان " فولاد " در روز یکشنبه ۲۵ شهریور که منجر به افشای ماهیت ضد کارگری کارخانه گردید بی شک نشانه رشد آگاهی طبقاتی کارگران و گسترش صفوف متحد آنان است. کارگران فولاد که با مبارزات خود چه در قیام و چه بعد از آن همواره مبارزه سرسختانه ای را برای کسب حقوق برحق خویش و درهم کوبیدن هرگونه توطئه ضد کارگری ادامه داده اند، امروز نیز به گونه ای دیگر این مبارزه را علیه دشمنان خویش دنبال می کنند. در اینجا ما سعی می کنیم علت و چگونگی اعتصاب اخیر کارگران فاسترویلرتهران جنوب " بزرگترین شرکت پیمانکاری صنایع فولاد " و اتحاد بی سابقه و پیروز مند کارگران را در برابر حق کشی ها و توطئه چینی های کارفرمایان و عوامل آنان روشن نمائیم. " باشد تا با انعکاس این مبارزه و این اتحاد در خشان تجربه مبارزاتی کارگران ایران غنای بیشتری یابد:

دوشنبه ۲ مهر
جرقه حرکت اعتراض آمیزی که از ۲۵ شهریور آغاز شد بطور مشخص نشان دهنده ماهیت ضد کارگری شورای اسلامی زحمتکش فاسترویلرتهران جنوب و سهل انگاری مسئولین امر به ۲۳ خواسته برحق کارگران است. این جرقه بالاخره با آتش گرفتن یکی از کارگران در حین کار به " حریق " تبدیل شد. با عدم حضور یز شک در بهداری خشم فروخته کارگران برانگیخته شد. یکی از کارگران می گفت:

" چرا نباید یک آمبولانس در قسمت باشد. چرا بعد از شش ماه که از اعتراض ما می گذرد هنوز کوچکترین توجهی به این مسئله نشده؟ چطور می شود بدون وسایل ایمنی کار کرد، اگر این کارگر بمیرد، چه کسی مسئول است؟"
هر لحظه به تعداد کارگرانی که در محل حادثه بودند افزوده می شد. کارگران تصمیم گرفتند که دسته جمعی به سوی کارگزینی حرکت نموده و در آنجا احتجاج کنند. بعد از حرکت کارگران از قسمتهای مختلف و تجمع در مقابل کارگزینی خواستار آمدن طالبانی (رئیس تهران جنوب) و نمایندگان شورای رسیدگی به مسئله و دادن پاسخ به سایر درخواستهای خود شدند.

وقتی که طالبانی (رئیس تهران جنوب) به میان جمع آورده شد کارگران او را زیر سؤال گرفتند: یکی از کارگران به او گفت: "خوب بفرمائید"، "خبر سوختن کارگر ما را که شنیدید؟" طالبانی گفت: "خب بله" و کارگر با الحسن تمسخر آمیزی گفت "چه عجب!" و سپس رو به جمع کرد و گفت: "برادران کارگر، من از شما می پرسم این چند ماهی که آقای طالبانی به اینجا آمده تا حال شما و ارا دیده اید؟" کارگران یکصد گفتند "نه" و سپس کارگری با اشاره به جمع شسته رفته طالبانی گفت "شرط می بندم تا حال آفتاب اونو ندیده" طالبانی با مشاهده این وضع سعی می کرد بهانه بی آورد و خود را تبرئه کند. او می گفت که باید فرصت داد تا آمبولانس از پرسد و انشاء الله همه خواسته های شمارسیدگی خواهد شد. اوسعی می کرد موقعیت خود را تا حد یک کارمند ساده کارفرما پائین بیاورد تا از این طریق از خود سلب مسئولیت کند. یکی از کارگران در جواب حرفهای او چنین گفت:

" شما از ما می خواهید که ما فرصت بدهیم. آیا بقال و میوه فروش هم به ما فرصت می دهد؟ اگر صاحب خانه کرایه اش یک ماه به تاخیر بیفتد به ما فرصت می دهد؟ دولت اگر از ما می خواهد صبر داشته باشیم و ما به ما فرصت بدهیم باید به دکانداران و صاحب خانه هاهم بخشنامه صادر کند که به ما فرصت بدهند. شما که برای احتیاجات ضروری ما برای درمان زن و بچه مریض، صد تومان مساعده نمی دهید و این خواست ما را غیر قانونی می دانید چگونه از ما می خواهید که باز هم صبر داشته باشیم؟"

بقیه در صفحه ۱۱

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴۰ ساعت تقلیل پیدا کند



تنها شورائی می تواند حقان را ...

بقیه از صفحه ۱

در همین موقع یکی از ماندگان نورابه در حواست کارگران به میان جمع آمده و سرامون مذاکره با هیئت نامبرده حسن گفت:

"من الان از جلسه مذاکره می آمم. ما آنکه گفتند تا ساعت ۱۱ فردا نتیجه را اعلام می کنند اما من هیچ امیدی به اون ندارم. معلومه که اس آفایان نمی خوان هیچ قدمی در جهت سافع کارگران بردارن. هر چه ما می گیم، با ما مکن غیر قانونی، با می کن توفیر ارداد نیست. سیاست اس آفایان به این شکله که ما راه منطور بدون جواب نگه داشته و می امروز و فردا کن و بعد هم از طریق عمل خودتون بین ما تفرقه سندان. اونا اگر منظوری عراز اس دانسن به خاطر حواستهای حریفی شما امروز و فردا نمی کنن. برادران کارگر، شما باید هو ساریاسد ..."

کارگری فریاد زد:

"برادرا، اس مکه، نیروی و بره و ساید های ارنجاعی ما اونا همکاری می کنن. ما گفیم باید شورا منحل بشه و یک شورا جدید با نظرم کارگران به وجود بیاد. ما نمایندگان کار فرمای رونی خواهیم. ما می خواهیم نماینده های واقعی خودمون انتخاب کنیم."

کارگران با نوحین حرف او را ناند کردند و حواستار انتخابات محدود شدند. کارگر دیگری از میان جمع با صدای بلند گفت:

"دوستان کارگر، در بین ما حاسوسهای نیروی و بره و ساید کرده و می حواست مومون تفرقه سدارن. باید هو ساریاسیم."

کارگری با نوحین گفت "مکن نیروی و بره چون اسلامه، ساواک محسوب نمیشه." و همان کارگر ادامه داد "هر کس اینجا حرف بزنه به سبانه خلال لگرمی برز حونه اس. خود شو و خلباوده سوادیت می کنن"

اوناباسو، استفاده از نام اسلام دارم از کار فرمای ز الوصفت دفاع می کنن. منم که حالا دارم صحبت می کنم معلوم نیست بعد چکار می کنن."

یکی از کارگران میانه سال فریاد زد "غلط می کنن. چه کسی گفته از حقت دفاع نکن. اگر با زور می شد کاری کرد شاه هم کرده بود." کارگری که توسط او با شان "نیروی ویژه" مورد تهدید قرار گرفته بود به میان کارگران آمد و وضع خود را تشریح کرد و گفت:

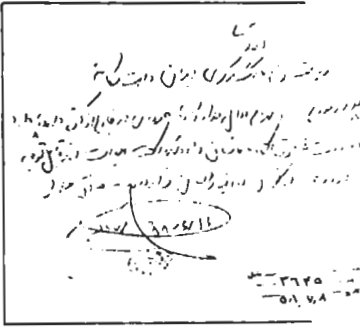
"برادرا، منو به هفته پیش تهدید کردند که دست از کارها بردارم و دیگه نگم نماینده ها طرفدار کار فرما هستن. من به خاطر اسکه حلوی میرزا خانی (رئیس مجتمع) ایستادم و از حقم دفاع کردم و گفتم ما کارگر می تونیم خودمون حقمون بگیریم و احتیاج به نماینده نداریم. تهدید شدیم هر ساعت کمیته تصفیه و تزکیه که مثل جماع کار فرما بالای سر کارگران مبارز گذاشته شده احضار می کنن. یکی از نمایندگان شورا ای مرکز بنام رحمان بابا علی که همه شما خوب می شناسیدش، خود سرنه و بدون مهرشورا بریم احضار به فرستاده و سپس احضار به راد آورده و به کارگران نشان داد. اعتراض نسبت به اس عمل در میان کارگران بالا گرفت. بابا علی که در مقام دفاع از خود برآمده بود سعی داشت با قسم و آبه خود را توجیه کند. وقتی با اعتراض دسته جمعی کارگران روبرو شد با دیدن به سوئی فریاد زد:

"مسلمانها اس این طرف" و سعی نمود با اس حرکت تفرقه افکنانه به وحدت و یکپارچگی کارگران آسیب رساند. اما کارگران ناگاه اس آخرین حیل سبانه را کارانه اس را حتنی نمودند.

ادامه دارد

رشوه خواری و توصیه پراکنی ...

بقیه از صفحه ۱



از قیام نیز هر چند در سطوح بالا کماکان ادامه داشت، از آنجا که کارها هنوز روی غلطک نیفتاده بود، کسی از آن با خبر نمی شد. اما حالا فساد و رشوه خواری و توصیه پراکنی شکل زنده ای به خود گرفته است.

اگر تا کنون فقط میوه چینان انقلاب با هلی کوپترهای اداری به تفریح می رفتند و از زمینهای تنیس خانواده سلطنتی و کاخهای رجال استفاده می کردند، اگر تا کنون نزدیکان و آشنایان به قدرت رسیده همه امکانات را به خود اختصاص داده بودند، اما حالا برای همه مردم ماروشن شده است که توصیه بازی از محدوده کارفران آخوندی که مقرر مانده می خورد را کاخ علم قرار داده، فراتر رفته است و هیچ کاری بدون پارتی بازی، بدون رشوه دهی و توصیه پیری انجام نمی شود.

از سهمیه تخم مرغ و بودر رخب سوئی و روغن نباتی گرفته تا تبدیل تومان و ریال به ارز و استخدا در پست دولتی و غیر دولتی همه و همه

باید با صلاح حدید "انجام شود. اگر در گذشته ساده ترین دشواریهای مردم بدون پول و پارتی انجام شدنی نبود، حالا نه تنها هم پول را می خواهد و هم پارتی را بلکه باید امضا یک آخوند هم پشتوانه آن باشد. البته اینها همه یک جنبه قضیه است، شرط دیگر قضیه این است که ابتدائاً "معتبر" و وابسته به آمریکا خراش از پیل گذشته باشد و اقوام و نزدیکان کاخ نشینان جدید کاملاً سیراب و اشباع شده باشند "گسه نخواهند شد"

در زیر یک نمونه داریم از توصیه های صادق خلخالی حاکم شرع به رئیس بانک مرکزی که دستور داده است به بهانه انجام ماموریت یکصد هزار تومان ارز در اختیار یکی از نزدیکانش قرار دهند.

گوئی حاکم شرع که تا کنون بدون "کوچکترین چشم داشتی" به وظائف خطیر مشغول بود در آراء خوش خدمتی ها و جنایاتی که در کردستان مرتکب شده از حساب "بیمالعمال" دستخوش می خواهد.

صادق خلخالی
۵۸/۶/۱۶ مهباد

وزرای "انقلابی" کابینه موقت ...

بقیه از صفحه ۱۲

نکته جالبی که خود به خوبی بیانگر ماهیت رژیم فعلی است این است که علی اردلان و دکتر مولوی رئیس بانک مرکزی که هر دو جزو عوامل رژیم سابق و جزو ممنوع الخروج ها بوده اند، اینک هر دو دارای پستهای حساسی هستند. آنکه می خواستند به سبانه شرکت در کنفرانس ضدوق بین المللی پول به بلگراد برواز کنند، در فرودگاه چگون اسامی آنها جزو ممنوع الخروجها بوده از پروازشان جلوگیری می شود ولی آنها به نخست وزیر متوسل می شوند و این بار نخست وزیر که فعلاً وظیفه تطهیر خدمتگزاران رژیم شاه و سپردن امور به دست آنها را دارد، برای آنها اجازه سفر می گیرد. (این خبر در ماسد یکشنبه ۲۲ مهر درج شده است).

دوشنبه ۲ آبان (۵) و (اطلاعات صفحه ۴ شماره ۱۳۴۸ همان تاریخ) علی اکبر معین فرکه در آن موقع رئیس دفتر تحقیقات و استانداردهای فنی سازمان برنامه بود. در یک روزی نشان تاج راز دست شاه دریافت می کند که گروهی از مبارزین در رسیدن او به خاطر نپذیرفتن "شریعتی تولد شاه" و ابراز تنفر از رژیم به شکنجه گاه کمیته برده می شوند. روزها و هفته ها شکنجه می بینند. حالا آقای معین فر "انقلابی !!!" شده و آن مبارزین "صدانقلابی" علی اردلان چهره دیگر کابینه به اصطلاح انقلابی فعلی و وزیر اقتصاد است. پس از کودتای

پاسداران، زحمتکشانی را که در بیابانهای ...

تا تهدید و ترساندن مردم قاتلین را فراری دادند، روز بعد پاسداران دیگری به محل آمده و می خواستند که به نحوی قصه را ماسمالی کنند ولی مردم به آنها می گویند:

"برای ما مسلم شده که خود سبانه پاسداران قاتلان را فراری داده ولی مدانیم که همانطور که سباط ظلم و ستم شاق خللا در ارجیدیم حساب اس آدمکشها را هم که خود را به دروغ حامی مستضعفان جا می زنند خواهیم رسد."

ما از اس نظر جزئیات مبارزه مردم خاک سعید را در اینجا آوردیم که نسان دهم تبلیغات گردانندگان رژیم در مورد تانکین مسکن برای مردم عوام فریبی صرف است رژیم نه تنها تا کنون خود هیچ اقدامی در جهت تانکین مسکن برای مردم خانه بدوش نکرده است، نه تنها هیچ یک از دهها هزار آرتان خالی سرمایه داران مغب حور را اس مردم زحمتکش بی حاسمان تقسیم نکرده است بلکه تلاش خود را برای ساختن سربانهی برای خود را تا گسل سبانه پاسداران و کشتن مردم زحمتکش ساسج گفته است.

در روز دوشنبه ۱۶ مهر ماه ساعت ۱۵ صبح تعدادی پاسدار به قصد سیرون کردن مردم آمدند، مردی که فعلاً ولگرد بود، فرمانده پاسداران بود که تا کنون تعداد زیادی از آلونکها و خانه های حلیبی مردم را در سهر حلب و شمیران نور اسر ساکن اس آنها حراب کرده است. خلاصه اس اس توب و تشر و تهدید با پاسداران منطقه ارتک کرده و دوباره بعد از ظهر بازگشتند ولی این بار مسلح بودند و اسلحه ها را به سمت مردم نشان رفتند و شروع به فحاشی کرده و چند نفر را سخت کتک زدند. مردم خشمگین حلو آمده و اعتراض کردند با پاسداران ابتدا چند تیر هوائی شلیک کرده و آنگاه به طرف مردم تیر اندازی کردند در اثر تیر اندازی یک نفر ساسام محمد امیری کشته و هشت نفر زخمی می شوند، در اس موقع فرمانده عملیات پاسداران را جمع کرده به سرعت از محل فراری می کنند.

بعد از آن مردم که سبانه حسمکن بودند حلوای مفر سبانه پاسداران (تهرانبارس) رفتند و حواهان دستگیری عاملان حادثه شدند، وای پاسداران مثل همیشه

کارگران فاستر ویلر:

قانون سرمایه داری حقوق ما را قانونی نمی داند.

غافل از اینکه این قانون دیگر برای ما پیشیزی ارزش ندارد!

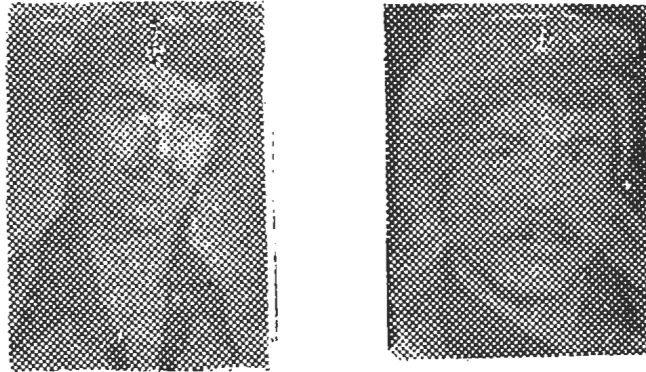
امروز دیگر چیزی برای ما قانون محسوب می شود که بوسیله خود ما نوشته شده باشد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

مادر احسن و شهریار ناهید : فرزند انم را به جرم کرد بودن اعدام کردند

آیت الله طالقانی این جنایت را باور نمی کرد و در مقابل ارائه عکس و سند گفت: "وای بر ما، وای بر ما، جواب شمارا چه بدهم؟"

یکی از پاسداران بعد از دیدن صحنه های این جنایت به مردم پیوست و اسرار پیدا گاههای رژیم را فاش کرد.



رفیق شهید شهریار ناهید

فدائی شهید احسن ناهید

در صفحه ۹

چمران، گرگی در لباس میش

قسمتهایی از برنامه های وی تشابه موبه مو با اقدامات "آریامهری" دارد. چمران در مقام وزیر دفاع ملی، در مصاحبه مطبوعاتی که متن آن در روزنامه با مباد در تاریخ ۱۴ مهر ۵۸ منتشر شد در باره تصفیه ارتش می گوید: "گروه اول کسانی که قتل کرده اند پاکسانی که شکنجه داده اند که آنها را به محکمه خواسته اند و بعضی از آنها را بقیه در صفحه ۷

چمران که سابقه طولانی در توطئه علیه حلقه های ایران و حتی منطقه دارد پس از آنکه توانست بر مسند قدرت تکیه زند، مزورانه کوشش می نمود تا چهره ضد خلقی خود را در پوشش دفاع از انقلاب و اسلام پنهان دارد. ولی به علت شرایط جامعه و نیازهای اساسی مردم مجبور شد پرده از چهره خود بردارد. اومی خواهد ارتش را به همان صورت بازسازی کند و

وزرای "انقلابی"

کابینه موقت را بشناسیم

وزیر اقتصاد و دموکراسی مرکزی که هر دو جزو عوامل رژیم سابق و جزو ممنوع الخروجها بوده اند، اینک دارای پست های حساسی هستند.

معین فر رئیس دفتر تحقیقات و استانداردهای فنی سازمان برنامه در رژیم سابق، درست روزی نشان تاج را از دست شاه دریافت می کند که گروهی از مبارزین در زندان اوین به خاطر نپذیرفتن "شیرینی تولد شاه" و ابراز تنفر از رژیم به شکنجه گاه کیمیت برده می شوند و روزها هفته ها شکنجه می بینند. حالا آقای معین فر "انقلابی" شد و آن مبارزین "صد انقلابی"

وزیر مشاور و رئیس سابق سازمان برنامه است که به تازگی به وزارت نفت رسیده است. او در رژیم سابق از کارمندان مالک مرتبه عبدالعزیز مجیدی رابطه نزدیکی داشت. در چهارم آبان سال ۵۱ سازمان برنامه به خاطر خوش خدمتی به رژیم از "پیشگاه شاهنشاهی آریامهری" نشان تاج دریافت کرده است. (کیهان - صفحه ۲ - شماره ۸۷۹۱ بقیه در صفحه ۱۱)

هر روز که می گذرد سوابق ضد مردمی گردانندگان رژیم کنونی روشن تر و مشخص تر می شود. ما همچنانکه در شماره های پیشین "کار" این عوامل را افشا کردیم، در آینده نیز سوابق آنها را از میان اسناد و مدارک بیرون می کشیم و در معرض قضاوت مردم قرار خواهیم داد. یکی دیگر از این چهره های شناخته شده، علی اکبر معین فر

توضیح :

که نویسندگان جزوه ها ضمن عضویت در سازمان تصمیم به انتشار نظرات خود گرفته اند. در این رابطه سازمان لازم می داند توضیح دهد که نویسندگان جزوات گرچه همکاری هائی با سازمان داشته و هنوز هم دارند، اما هیچگاه عضو سازمان نبوده اند.

اخبار و جزوه به نام های "مبارزه با انحصار طلبی" و "بحث حول میراثی مسائل جنبش کارگری توسط یکی از محافل هوادار چاپ و انتشار یافته است. در مقدمه این جزوات بخصوص در شماره ۱ آن مطالبی نوشته شده که این توهم را بوجود آورده است

پاسداران، زحمت کشانی را که در بیابانهای تهران پارس خانه می ساختند

به گلوله بستند و خانه هایشان را خراب کردند

اگر خود مردم با پیش بگذارند و زمینهای شاهپور را و شاهد ختها را اگر فتمو برای خود خانه بسازند، به جای کمک و پشتیبانی از طرف دولت، فحش و کتک و گلوله دریافت می کنند.

تعلق دارد، اوائل که مردم تصور می کردند که چون این زمینها مال دار و دسته شاه جنایتکار است و دولت جمهوری اسلامی هم ادعای کند که طرفدار کل کاران و مردم فقیر و زنجیده است، پس اشکالی ندارد که دست به دست هم بدهند و زمینها را بسازند بقیه در صفحه ۱۱

نزدیک به پنج ماه است که عده زیادی از مردم بی خانمان و ستمدیده، در اراضی خاک سفید (واقع در قسمت شمالی تهران پارس) به ساختن خانه و سرپناهی برای خانواده خود مشغولند. قسمت بیشتر این زمینها به سرمایه دارهای فراری و از جمله شاهپور غلامرضا

گرامی باد یاد فدائی شهید جمیل یخچالی

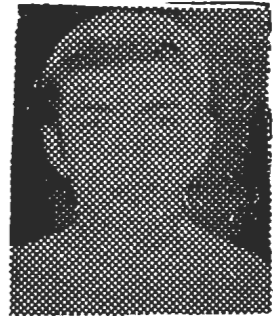
در دوران قیام رفیق در مسجد سلیمان تظاهرات متعددی را رهبری



فدائی شهید جمیل یخچالی

رفیق جمیل یخچالی در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای فقیر به دنیا آمد. پدرش شیر فروش بود و او از همان ابتدا با فقر آشنا شد. رفیق تا سال سوم راهنمایی با سختی و کمبودهای مالی به تحصیل ادامه داد. رفیق برای تهیه مخارج تحصیل خود مجبور بود تا به استان راکار کند. در سال ۱۳۵۴ به خاطر کمبود مالی سنندج را به قصد ادامه تحصیل در دبیرستان صنعتی ارتش در مسجد سلیمان ترک گفت و به مدت ۲ سال در آنجا به تحصیل ادامه داد بقیه در صفحه ۹

شهید دیگری از خلق کرد یاد رفیق طهمورت اکبری گرامی باد



رفیق شهید طهمورت اکبری

در صفحه ۹

۱۳ آبان

سالروز مبارزات خونین دانش آموزان علیه دیکتاتوری

رهائی از قید وستم و استعمار سرمایه داری و امپریالیسم تحققی بخشید و به فقر و محرومیت اکثریت

خود و با ایتار خون خود توطئه های رژیم شاه را درهم شکست. اکنون یکسال از آن تاریخ می گذرد. جامعه

صبح روز ۱۳ آبان سال گذشته چند صد هزار محصل دبیرستانهای تهران به سوی مدارس به حرکت درآمدند. اما به جای رفتن به کلاسها راه خیابانها را در پیش گرفتند و با تظاهرات موضوعی که در صدها نقطه تهران بر پا کردند تمام توطئه های رژیم جنایتکار شاه را درهم شکستند. ارتش مزدور که کنترل شهر را در دست داشت در حوالی دانشگاه به ناگهان دست به تیراندازی و کشتار جوانان زد. دهها نفر به خاک و خون غلطیدند، اما جنبش بازم آوج تازه ای گرفت: آن روز شهسوار یکبارچه مبارزه بود. خشم و کین توده مردم از کشتار دانش آموزان و دانشجویان در صحن دانشگاه از حد گذشته بود، دهها نقطه تهران به آتش کشیده شد. و در پایان روز دیگر کاملاً روشن شده بود که توطئه رژیم با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. ۴۸ ساعت بعد شریف امامی مزدور استعفا کرد و شاه به عجز و لالچه افتاد. ۱۳ آبان تجلی قدرت و قاطعیت انقلابی میلیونها جوان و نوجوان خلق بود که با هشیاری

برای پشتیبانی از جنبش دانش آموزی

در گرد همالی دانش آموزان پیشگام، که به مناسبت

سالگرد ۱۳ آبان روز دانش آموز در زمین چمن

بلی تکنیک تهران برگزار میشود شرکت کنید

شروع برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر

دانش آموزان پیشگام

توده های خلق پایان دهد. آزادی های دموکراتیک یکی پس از دیگری طعمه بورژوازی ارتجاع حاکم قرار گرفته است. روزنامه ها و دفاتر سازمانهای سیاسی تعطیل شده اند. کارگران پیشرو را که در دوران رژیم شاه بیشترین سهم را در رهبری اعتصابات داشته اند از کارخانه ها اخراج می کنند. ارتجاع حاکم تحت عنوان بقیه در صفحه ۸

ماتحوالات بسیاری را پشت سر نهاده است که مهمترین آن قیام نیممن و سقوط شاه بود. دستاورد قیام توده ها اگرچه به حکومت شاه و رژیم جابرا نه آن پایان داد، اما به این علت که طبقه کارگر رهبری قیام را در دست نداشت، به این علت که هنوز طبقه کارگر تحت رهبری پشاهنگ انقلابی خود مشکل نشده بود، نتوانست به آرزوی کارگران و زحمت کشان که

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند